

س اللہ اکرم



# میانہ روی در زندگے

---

مؤلف: سیدحسن موسوی خراسانی

چاپ: اول، ۱۳۹۶

تعداد صفحات: ۱۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تلفن مرکز پخش: ۰۷۱ - ۴۴۳۳۲۶۹۲



## فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۷	درس اول : عدالت
۱۰	عدل
۱۱	عدل چیست؟
۱۳	آثار ایمان به عدل خدا
۱۴	خداآوند و ظلم!
۱۴	ریشه‌های ظلم
۱۶	پاسخ به شبه‌های درباره عدل
۲۵	درس دوم : عدالت اجتماعی
۲۸	عدالت اجتماعی
۲۹	عدالت اجتماعی از زبان قرآن
۳۳	جواب به یک شبه
۳۳	درس سوم : اعتدال از دیدگاه آیات و روایات
۳۶	اعتدال از دیدگاه آیات و روایات
۵۳	نمونه‌ای از مهمانی‌ها:
۵۷	درس چهارم : عوامل انحراف از عدالت
۶۱	عوامل بوجود آمدن بی‌عدالتی
۶۱	۱- محبت بیجا
۶۲	۲- دشمنی بیجا

۶۴	۳- دنیاپرستی
۶۵	درس پنجم : عدالت در دستورات اسلام
۶۸	اعتدال در عبادت
۷۰	اعتدال در ارتباط
۷۱	۱- رابطه با بیگانگان: (أشداءُ)
۷۲	۲- رابطه با خودی: (رَحْمَاءُ)
۷۳	۳- رابطه با خدا: (رُكَّعًا سُجَّدًا)
۷۴	چند نکته:
۷۷	اعتدال در زندگی عقلاء
۷۷	چند نکته:
۸۶	لطیفه
۸۷	نکته‌ای مهم

## پیش‌گفتار

از جمله واژه‌هایی که در قاموس‌نامه بشر رنگ باخته و در نتیجه‌ی رنگ باختگی این تابلو، بسیاری از افراد راه را گم کرده و به بیراهه رفته‌اند؛ واژه اعتدال و میانه‌روی است. مردم زیادی در زمانه‌ی ما گرفتار افراط و تفریط هستند و می‌توان گفت از ریل عدالت خارج و دچار آسیب‌دیدگی شده‌اند.

این بليه‌ي بزرگی که دولت‌مردان و سپس ملت‌ها را مبتلا کرده و هر روز بدتر می‌شود باید یک روزی علاج شود و هر چه می‌گذرد اين دیوار کج و کج تر می‌شود و ظاهر امر اين است که بناست تا ثریا کج برود اين در حالی است که خدای عالم بنای اين دیوار را منحرف قرار نداده و اين مائیم که آن را منحرف و کج کرده‌ایم و هرگاه هم که خواستیم علاج کنیم باید به سراغ معمار آن برویم تا با شاقول اعتدال آن را میزان کند و آن شاقول قرآن و حدیث است.

مجموعه‌های که تحت عنوان میانه‌روی در زندگی پیش‌رو دارید حاصل پیشنهاد و پیگیری دو نفر از طلاب محترم آباده؛ حجج اسلام مجید فرخی و روح الله شمشیری است که مباحث را جمع‌بندی و ویراستاری کرده و پس از بازنگری سید مصطفی موسوی، اقدام به چاپ می‌کنند که خدایشان اجر جزیل عنایت نماید.

وَ السَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى

سید‌حسن موسوی خراسانی

امام جمعه آباده

۱۳۹۶ فروردین

رجب المرجب ۱۴۳۸

درس اول:

عدالت

## عدل

یکی از اصول اعتقادی در دین مبین اسلام که هر مسلمانی باید به آن ملتزم باشد؛ اعتقاد به عدل و عادل بودن خداوند است. درباره عدل سؤال‌های گوناگونی به نظر می‌رسد از جمله:

چرا عدل از اصول عقائد محسوب می‌شود؟

چرا عدل اصل شناخته شده است با اینکه خداوند صفات زیادی دارد؟

در جواب باید گفت:

۱- اثر صفت عدل بالاتر از هر صفت و وصف دیگری است و آن چه که می‌تواند شخص و جامعه را به سرحد کمال رساند؛ اعتقاد به این صفت الهی و گام برداشتن در پی آن است که امیر المؤمنین علیہ السلام فرماید: **بالعدل قامت السماوات والارض**؛ به وسیله‌ی عدالت، آسمان و زمین پابرجاست.<sup>۱</sup>

---

۱. نهج البلاغه، خطبه، ۱۸۵.

۲- اشعاره گروهی بودند که عدل خدا را لازم نمی‌دانستند و هر کارِ خدا را عادلانه می‌پنداشتند گرچه که آن کار عقلائی به نظر نرسد یعنی در رابطه با یزید<sup>لعنت الله عليه</sup> هم می‌گویند که اگر خدا او را به بهشت ببرد هم مشکلی ندارد.

و بنی امیه هم از نظر سیاسی، اشعاره را قبول داشتند تا بتوانند حکومت باطل خودشان را توجیه کنند! و برای ظلم‌هایی که در حق مردم می‌کردند یا در جایگاه‌های بااطلی که قرار می‌گرفتند این توجیه اشعاره را می‌آوردند که خواست خدادست. در حالی که کسی که اعتقاد به عدل داشته باشد غصب و ظلم و تبعیض را منافی با اعتقاد خود و آن صفت باز خداوند می‌داند.

### عدل چیست؟

برای تبیین این مطلب به کلام نورانی امیرالمؤمنین علیہ السلام تمسّک می‌جوییم که فرمودند: **الْعَدْلُ يَضْعُفُ إِلَّا مَوَاضِعُهَا**<sup>۱</sup>; عدل قرار می‌دهد هر چیزی را در جایگاه خودش. و سیدالساجدین امام سجاد علیہ السلام در رابطه با عدل خداوند می‌فرماید: **شَهِدتُّ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ**<sup>۲</sup>; گواهی می‌دهم که خدا معیشت بندگانش و چیزهایی که زندگی شان به آن‌ها وابسته است را به عدل (بدون افراط و تفریط) قسمت نموده است.

۱. نهج البلاغه، حکمت: ۴۳۷

۲. صحیفه سجادیه، دعای: ۳۵

این کلام که هر کس را به فراخور او روزی داده ایم اشاره به فرمایش خداوند متعال دارد که: نَحْنُ قَسْمَنَا بَيْتَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ؟<sup>۱</sup> ما معیشت آنان را در زندگی دنیا میان شان تقسیم کرده ایم. و یا در حدیث قدسی است که: از میان بندگان من کسانی هستند که جز فقر و بی چیزی صلاح آنها نیست، اگر آنها را غنی و توانگر کنم توانگری تباہشان می - سازد و برخی از بندگانم کسانی اند که جز توانگری صلاح آنان نمی باشد اگر آنان را فقیر نمایم فقر تباہشان گرداند. بنابراین توانگر کردن کسی را که جز بی چیزی صلاحش نیست افراط و بی چیز نمودن آن را که جز توانگری صلاحش نمی باشد تفریط خواهد بود، و عدل آن است که طبق صلاح هر یک از آنها عمل شود.<sup>۲</sup>

۱. زخرف، آیه: ۳۲

۲. ترجمه و شرح فیض الإسلام بر صحیفه سجادیه.

## آثار ایمان به عدل خدا

۱- کنترل انسان در برابر گناهان

قال اللہ تعالیٰ فی حدیث القدسی: إِنْ شِئْتُ عَذَّبْتُهُمْ فَبَعْدَلْتُی.<sup>۱</sup>

اگر اراده کردم که عذابشان کنم پس به وسیله عدلم این چنین کنم.

۲- دوری از نامیدی (چون خدا عادل است دلهره‌ای نیست)

وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ.<sup>۲</sup>

و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید.

۳- رفتار به عدالت در بین مردم (چون عدالت خدا را قبول دارند)

إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.<sup>۳</sup>

اگر میان آن‌ها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را

دوست دارد.

۱. مجمع البحرین، ج ۳، حدیث قدسی.

۲. الرحمن، آیه: ۹.

۳. مائدہ، آیه: ۴۲.

## خداآوند و ظلم!

اعتقاد ما بر این است که خداوند عادل است و خدای عادل ظلم نمی‌کند. حال برای اینکه ثابت شود که خداوند ظالم نیست عواملی که باعث می‌شود که شخصی به دیگری ظلم کند را بررسی می‌کنیم تا بینیم در خداوند نیز این عوامل وجود دارد یا نه؟

### ریشه‌های ظلم

#### ۱- جهل

قَالَ عَلَىٰ الْجَاهِلِ: لَا تَرَى الْجَاهِل إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفَرِّطًا.<sup>۱</sup>

نادان را یا تندر و یا کندر و می‌بینی.

لذا جهل است که نژاد سیاه را بد و سفید را خوب می‌داند و باعث می‌شود که به سیاه پوستان ظلم کنند، ولی خدا و جهل؛ سُبْحَانَ اللَّهِ!.

#### ۲- ترس

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: شَرُّ مَا فِي الرَّجُلِ جُنُونٌ خَالعُ.<sup>۲</sup>

بدترین صفت مرد ترس شدید است.

به خاطر ترس است که دولتی از ترس اینکه دولت دیگری به او حمله کند، حمله می‌کند اما خدا و رقیب یا ترس؛ سُبْحَانَ اللَّهِ!.

۱. نهج البلاغه، حکمت: ۷۰.

۲. نهج الفصاحه، حدیث: ۱۸۰۳.

## ۳- نیاز

یکی از عوامل ظلم، نیاز مادی یا روحی داشتن است که گاه برای برطرف کردن آن نیاز، متمسک به زور و ستم می‌شوند لیکن خدا و نیاز؛ **سُبْحَانَ اللَّهِ!**

## ۴- خباثت

**قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَ الطَّيِّبُ وَ لَوْ أَعْجَبَكَ كُفَّرُ الْخَبِيثِ.**<sup>۱</sup>

پلید و پاک، یکسان نیست، گرچه عدد ناپاکان تو را به تعجب وادرد.  
برخی افراد هستند که از ظلم به دیگران لذت می‌برند که به خاطر طینت آلوده است ولی خدا و خباثت؛ **سُبْحَانَ اللَّهِ!**

## ۵- عُقده

گاه می‌شود که انسان می‌خواهد آتش درونش را خاموش کند یا به خاطر مسائلهایی که باعث شعله‌ور شدن کینه درونش شده است انتقام بگیرد، اما خدا و عُقده‌های شخصی، **سُبْحَانَ اللَّهِ!**

---

۱. مائدہ، آیه: ۱۰۰.

### پاسخ به شیوه‌ای درباره عدل

درباره عدل الهی شبهاتی را مطرح می‌کنند که اگر خدا عادل است

پس:

چرا وقتی در آفرینش نگاه می‌کنیم تفاوت‌هایی در بین مخلوقات می-  
بینیم؟

چرا به خاطر یک لحظه گناه، خدا یک عمر عذاب می‌کند؟  
و سؤال‌هایی امثال این، درباره نقص عضوها و محرومیت‌هایی که در  
بین انسان‌هاست که اگر خدا عادل است پس چرا این تبعیض‌ها و  
تفاوت‌ها وجود دارد؟

\* قبل از جواب باید به چند نکته اشاره کنیم:

نکته ۱: باید بدانیم که هیچ موجودی از خدا طلبکار نیست.

یا *أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ*.<sup>۱</sup>

ای مردم! این شمایید که به خداوند نیاز دارید و (تنها) خداوند، بی‌نیاز  
و ستدوده است.

نکته ۲: تبعیض است که ظلم است نه تفاوت، لذا یک کارخانه، جنسی  
را کوچک می‌سازد و جنسی را بزرگ و این تفاوت است که بین این دو  
هست اما ظلم نیست.

۱. فاطر، آیه: ۱۵.

وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ<sup>۱</sup>

خداؤند هیچ ستمی را بر جهانیان نمی خواهد.

نکته ۳: همیشه عدل به معنای مساوات نیست. به طور مثال با مراجعه به پزشک، برای مریضی آمپول تجویز می شود و برای مریض دیگری شربت، این عدم مساوات به معنای ظلم نیست. و یا اینکه استاد برای دانش آموزان بر اساس تلاش آنها نمره های متفاوتی می دهد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ إِنْ تَكُ حَسَنَةٌ يُضَاعِفُهَا وَ إِنْ تَكُ مِنْ لَذْنَهُ أَجْرًا  
عَظِيمًا<sup>۲</sup>.

خداؤند (حتی) به اندازه سنگینی ذره ای ستم نمی کند و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان می سازد و از نزد خود، پاداش عظیمی می دهد.

نکته ۴: حقوق جامعه بر حقوق فرد اولویت دارد. به طور مثال گاه برای احداث خیابان خانه ای را خراب می کنند و یا به خاطر جامعه، شخص را از احتکار منع می کنند در حالی که این کار به ضرر شخص است.

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ بَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ.<sup>۳</sup>

این، مرزهای الهی است پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می سازد.

۱. آل عمران، آیه: ۱۰۸.

۲. نساء، آیه: ۴۰.

۳. بقره، آیه: ۱۸۷.

با توجه به نکات بالا می‌توان شباهات فوق را جواب‌های متفاوتی داد  
که به شرح مختصر آن‌ها می‌پردازیم:

۱- علم ما محدود است؛

قالَ اللَّهُ الْعَظِيمُ: عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ.<sup>۱</sup>

چه بسا چیزی را ناخوش دارید، در حالی که خیر شما در آن است.

گاه می‌شود که از خدا مقامی را آرزو می‌کنیم در حالی که وقتی سرنوشت و عاقبت آن را می‌بینیم از خواسته خودمان پشیمان می‌شویم امثال عاقبت شاه و صدام و قذافی و این‌ها که هم مال داشتند و هم قدرت اما امان از عاقبت آن‌ها که درس عبرتی برای دیگران شده است.

۲- قضاوت ما عجولانه است؛

قالَ اللَّهُ الْعَظِيمُ: عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.<sup>۲</sup>

چه بسا چیزی را دوست دارید، در حالی که ضرر و شرّ شما در آن است. و خداوند (صلاح شما را) می‌داند و شما نمی‌دانید.

قضاوت‌هایی که ما می‌کنیم گاه مقطوعی است اما بعد از گذشت زمانی اگر توجه به آن کنیم می‌بینیم خیلی عجولانه بوده است به طور مثال؛ جیغ بچه از ترس آمپول با در نظر گرفتن سلامتی بعدش دردی مقطوعی است

.۱. بقره، آیه: ۲۱۶

یا درد زایمان در مقایسه با بی‌بچگی که درد همیشگی است و یا گاه پا و یا دستی را قطع می‌کنند تا بقیه بدن سالم بماند. لذا هر گونه قضاوتی در این موارد از قبیل قضاوت‌های عجولانه و مقطوعی است.

### ۳- از نقش خود غافلیم؛

گاهی خود ما مقصیریم و از تقصیر خودمان غافل می‌شویم. درس نخوانده‌ام مردود می‌شوم. یا رعایت بهداشت نکرده‌ام، مریض می‌شوم. بسیاری از عواقب نامطلوب به خاطر گناهانی است که شخص انجام داده است.

قال على ﷺ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنْوَبَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقَمَ.<sup>۱</sup>

خدایا بی‌امز برایم آن گناهانی را که عقاب و کیفرها را فرو می‌ریزد. و گاه از باب مثال معروف «چاه مکن بهر کسی»، خود در آن واقع می‌شوی:

قال على ﷺ: مَنْ حَفَرَ بِئْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهِ.<sup>۲</sup>

کسی که برای برادر خود چاهی قرار دهد خودش در آن خواهد افتاد.

### ۴- سختی‌ها و ناگواری‌ها عامل رشدند؛

الف: مصیبت‌ها به خاطر برگشت مردم به خدادست.

۱. مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۲. تحف العقول، ص: ۸۸

قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْلَا ثَلَاثٌ فِي ابْنِ آدَمَ مَا طَأَطَأَ رَأْسَهُ شَيْءٌ مَرَضٌ وَالْفَقْرُ وَالْمَوْتُ كُلُّهُمْ فِيهِ وَإِنَّهُ مَعَهُنَّ لَوْثَابٌ.<sup>۱</sup>

اگر سه چیز در فرزند آدم نبود، هرگز چیزی سر او را خم نمی‌کرد: بیماری و فقر و مرگ، همه این‌ها در او هست و در عین حال او همواره جست و خیز و بلند پروازی می‌کند.

ب: انبیاء الهی هم دچار مشکلات فراوانی بودند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام است که فرمود:

فِي كِتَابِ عَلَىٰ لِلَّهِ: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْوَصِيُّونَ.<sup>۲</sup>

در کتاب علیه السلام آمده است که: گرفتارترین مردم به بلایا در دنیا انبیاء هستند و سپس اوصیاء آن‌ها می‌باشند.

ج: سختی‌ها در مدیریت جامعه مؤثرند.

قالَ اللَّهُ العَظِيمُ: أَلَمْ يَجِدُكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ.<sup>۳</sup>

آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟!

انسانی که درد آشنا باشد در رسیدگی به مردم تلاش بیشتری می‌کند و به دنبال آن است که جامعه را از گرفتاری‌ها نجات دهد.

د: رفاه باعث تبلی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: درختان جنگل چوبش محکم‌تر است.

۱. خصال، ج ۱، ص: ۱۱۳.

۲. کافی، ج ۲، ص: ۲۵۲.

۳. ضحی، آیه: ۶.

۵- ملاک سنجش خوبی یا بدی؛

قالَ اللَّهُ الْعَظِيمُ: ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ لَوْ أَشْرَكُوا  
لَحَبْطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.<sup>۱</sup>

این هدایت خداست، هر کس از بندگانش را که بخواهد به آن هدایت می‌کند و اگر شرک ورزند، قطعاً آنچه انجام داده‌اند از دستشان خواهد رفت.

نه خوبی دنیوی دلیل بر لایق نعمت بودن است و نه بدی‌های در دنیا دلیل مستوجب بلا بودن. به طور مثال نسیم دریا یک جا را شرجی می‌کند و یک جا را لطیف، یا باران یک جا را آباد می‌کند و یک جا را خراب، لذا انسان‌های خوب گاهی در بلاهای سخت هستند و گاه آسانی و خوشی. غُود تا نسوزد عطرش نمی‌پیچد و انسان خوب هم تا آب دیده نشود و مشکلات به او رو نکند ترقی نمی‌کند لذا در مورد بلاها برای اولیاء و خوبان درگاه الهی گفته شد که: إِنَّ الْبَلَاءَ لِلَّهِ وَلِنِعَمَةٍ؛<sup>۲</sup> بلا و گرفتاری برای دوست‌داران خدا کرامت و شخصیت است.

۱. انعام، آیه: ۸۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص: ۱۷۰.

## ۶- انسان همیشه آزمایش می‌شود؛

قالَ اللَّهُ الْعَظِيمُ: الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوْكُمْ أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً.<sup>۱</sup>  
 او کسی است که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام  
 یک از شما بهتر عمل می‌کنید.

آزمایش‌های خدا با آزمون‌های ما فرق دارد. برای بررسی امتحانات و  
 آزمایشات خداوند، و نحوه برخورد انسان با آن باید چند نکته را مد نظر  
 داشت:

### الف: داشتن جهان بینی خداوندی.

وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَ مَا يَبْيَنُهُمَا بِاطِّلَالٍ ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا.<sup>۲</sup>  
 ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن‌هاست بیهوده نیافریدیم این گمان  
 کافران است.

### ب: آگاهی از سنت‌های الهی

سُنَّةُ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلٍ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنْنَةِ اللَّهِ تَبَدِيلًا.<sup>۳</sup>  
 این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است و هرگز برای سنت  
 الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.

۱. ملک، آیه: ۲.

۲. ص، آیه: ۲۷.

۳. فتح، آیه: ۲۳.

ج: توجه به پاداش‌های الهی

<sup>۱۰</sup> إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

همانا خداوند سپاسگزار داناست.

د: آشنایی با صبر صابران

<sup>۱۱</sup> إِنَّى جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ.

من امروز آن‌ها را بخاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم آن‌ها پیروز و رستگارند.

و: استمداد از روزه و نماز

<sup>۱۲</sup> وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاصِعِينَ.

و از صبر (روزه) و نماز یاری بجویید و این کار (روزه و نماز) جز برای خاشعان، گران و سنگین است.

۷- کج فهمی و برداشت‌های غلط؛

قالَ اللَّهُ الْعَظِيمُ: لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَ يُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعُلُوا فَلَا تَحْسِبَنَّهُمْ بِمِقَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.<sup>۱۳</sup>

گمان مبر آن‌ها که از اعمال (رشت) خود خوشحال می‌شوند، و

۱. بقره، آیه: ۱۵۸.

۲. مؤمنون، آیه: ۱۱۱.

۳. بقره، آیه: ۴۵.

۴. آل عمران، آیه: ۱۸۸.

دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند! (بلکه) برای آنها، عذاب در دنا کی است!. مرگ را نابودی دانستن و دنیا را محل رفاه و خوش‌گذرانی پنداشتن این‌ها از افکار غلطی است و حکایت بعضی کچ فهمانی است که به سالن سخنرانی می‌آیند و به جای اصل هدف که سخنرانی است از چای و غذا سراغ می‌گیرند و آن را با سالن غذا خوری اشتباه می‌گیرند!!.

#### -۸- مشکلات نسبت به افراد فرق می‌کند؛

**قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ الْبَلَاءَ لِظَالِمٍ أَدَبُ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأُولَيَاءِ كَرَامَةٌ<sup>۱</sup>.**

همانا بلاء برای انسان ستم کار؛ درس ادب و برای انسان مؤمن؛ آزمایش و امتحان و برای پیامبران و انبیاء؛ باعث بالا رفتن درجات آن‌ها و برای اولیاء الهی؛ لطف و کرامت است.

سریاز را با کارهای سخت تنبیه می‌کنند تا آبدیده شود و کارهای سخت به او می‌دهند تا استحقاق مرخصی پیدا کند و تشویقی بگیرد. پس مشکلات در زندگی و در افراد، حکمت‌های مختلفی دارد که وجود خود مشکلات، مستحق شکرگزاری الهی است.

---

۱. جامع الأخبار، ص: ۱۱۳.

۹- باید خوبی‌ها و بدی‌ها را با هم ببینیم؛

قالَ الْحَسْنُ الْعَسْكُرِيُّ اللَّهُمَّ مَا مِنْ بَلَىٰ إِلَّا وَلَلَّهُ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا.<sup>۱</sup>

هیچ بلایی نیست مگر آن که اطراف آن با نعمت‌اللهی احاطه شده است.

حضرت یوسف به چاه می‌افتد، فراق می‌کشد، تهمت ناروا می‌خورد ولی عزیز مصر می‌شود و عقیله عرب حضرت زینب<sup>علیها السلام</sup> با تمام سختی‌هایی که در صحرای کربلا نظاره‌گر بوده به خاطر این که در معرض دید خداوند بوده است می‌گوید: جز زیبایی چیزی ندیدم: مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا.<sup>۲</sup>

۱۰- از نقش قوانین طبیعی نباید غفلت کرد؛

بسیاری از مشکلات در اثر حوادث طبیعی به انسان روی می‌آورد به طور مثال سقفی که بر سر افرادی خراب شده است باید علل طبیعی آن را هم مورد بررسی قرار داد که آب باران روی پشت‌بام جمع شد سقف خیس شد و از هم گسیخته شد، همه‌ی این‌ها از عوامل طبیعی‌اند که قابل عوض شدن نیستند و اثر طبیعی خود را می‌گذارند.

۱. تحف العقول، ص: ۴۸۹

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص: ۱۱۶

۱۱- ضرورت تلاش برای کشف استعدادها؛

قالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ: وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ.<sup>۱</sup>

برای انسان جز آن چه تلاش کرده چیزی نیست.

عده‌ای از استعدادهای خود غافلند و در یک رشته‌ای که شکست می‌خورند مایوس می‌شوند. پدر داروین پژشک بود و می‌خواست که پسرش نیز مثل خودش پژشک شود دو سه رشته عوض کرد و موفق نشد تا اینکه در علوم طبیعی صاحب نظر شد.

۱۲- همگانی بودن راه قرب؛

قالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ: ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً.<sup>۲</sup>

به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است.

هر کس به اندازه توانی که دارد پاداش می‌گیرد و این دَر به روی همه باز است. یا مَنْ سَوَّى التَّوْفِيقَ بَيْنَ الْظَّعِيفِ وَ الشَّرِيفِ.<sup>۳</sup>

ای خدایی که توفیق را به همگان اعم از ضعیف و شریف به طور مساوی عطاء می‌کنی.

۱. نجم، آیه: ۳۰.

۲. فجر، آیه: ۲۸.

۳. مفتاح الجنان، دعاء عدیله.

درس دوم:

عدالت

## عدالت اجتماعی

اجرای عدالت در تمام موقع زندگی چه در اجتماع کوچک زندگی شخصی و چه در جامعه، مورد سفارش دین مبین اسلام است که خداوند در سفارش به مؤمنان می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوْنُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ؛<sup>۱</sup>** ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برپادارنده‌ی عدالت باشید. این آیه خطاب به همه‌ی اقسام جامعه از مرد و زن، پیر و جوان در راستای تشویق و تأکید بر اقامه عدالت است. و معیار حق و عدالت دوری از هر گونه فردگرایی، قومگرایی، نژادگرایی و مالگرایی و... می‌باشد.

---

.۱. نساء، آیه: ۱۳۵

## عدالت اجتماعی از زبان قرآن

### ۱- عدالت در دستورات اسلام

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرٌ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْرَنُونَ<sup>۱</sup>.

همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و نماز برپا داشته و زکات پرداخته‌اند، پاداششان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.

مکتب اسلام دیدگاهی همه جانبه دارد که هم زندگی شخصی را مدد نظر گرفته و هم زندگی اجتماعی را همانطور که سفارش به اقامه نماز و توکل می‌کند سفارش به پرداخت زکات، عمل صالح و داشتن فعالیت نیز دارد.

به امام صادق علیه السلام گفتند فلانی نماز خوبی می‌خواند فرمود: کیف عقله؟<sup>۲</sup> عقلش چگونه است؟

۱. بقره، آیه: ۲۷۷.

۲. کافی، ج ۱، ص: ۱۲. (فَلَمْ لَا يَرِيْ عَبْدَ اللهِ فُلَانٌ مِنْ عِبَادِهِ وَدِينِهِ وَفَصِيلِهِ قَالَ كَيْفَ عَقْلُهِ)

به امام گفتند: فلانی خیلی خوب است فرمود: کیف صَلَاتُهُ؟<sup>۱</sup> نمازش چگونه نمازی است؟

۲- عدالت شرط مسئولیت است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَيْنُتُم بِدِيْنِ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لْيَكُتُبْ يَنْكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ.<sup>۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدھی مدت داری (بر اثر وام یا معامله) به یکدیگر پیدا می‌کنید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای در میان شما به عدالت (سند را) بنویسد.

رهبر، مرجع تقلید، کلیددار دولت، مسئول بیت‌المال، قاضی، امام جماعت و حتی نویسنده یک نامه بین دو نفر را، دین مبین اسلام سفارش می‌کند که انسانی عادل و آشنای به عدل و عدالت باشد و در بین خودشان به عنوان شاهد عادل باشند. امیرالمؤمنین علیهم السلام این صفت عدل را در مورد بهترین عباد به کار برده و فرموده‌اند:

قال علی علیهم السلام: فَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ هُدِيٌّ وَ هَدَى فَأَقَامَ سُنَّةً مَعْلُومَةً وَ أَمَاتَ بِدُعْةً مَجْهُولَةً<sup>۳</sup>

۱. کافی، ج ۳، ص: ۴۸۷. (عَنْ هَارُونَ بْنِ شَارِحَةَ قَالَ: ذَكَرَثْ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَأَخْسَثَ عَلَيْهِ الشَّاءَ فَقَالَ لِي كیفَ صَلَاتُهُ).

۲. بقره، آیه: ۲۸۲.

۳. نهج البلاغه، نامه: ۱۶۵.

برترین بندگان خدا در پیشگاه او رهبر عادل است که خود هدایت شده و دیگران را هدایت می‌کند، سنت شناخته شده را بر پا دارد، و بدعت ناشناخته را بمیراند.

### داستان ۱

مرجعی می‌خواست که فتوای تطهیر چاه آبی که سگی در آن افتاده بدهد چون خودش در خانه چاهی داشت و اتفاقاً سگی در آن افتاده بود آن را پر کرد تا بر اساس نفع شخصی فتوا ندهد.

### داستان ۲

کسی گربه‌ای را دوست داشت و گوشت و استخوان‌های بی‌صرف قصایبی محل را برای گربه‌اش می‌گرفت، یک روز به قصاب که با زنی نامحرم خوش و بش می‌کرد امر به معروف کرد قصاب او را تهدید کرد که دیگر از گوشت برای گربه‌ات خبری نیست! او گفت: برای اینکه وابسته نباشم گربه را می‌فروشم و یا آزاد می‌کنم. آری؛ این درسی است که آن را برای عدم وابستگی در جاهایی که باید به عدالت سخن گفته شود باید آموخت.

-۳- استقرار عدالت هدف انبیاء است

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنَّ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتُ.<sup>۱</sup>

۱. نحل، آیه: ۳۶.

و همانا ما در میان هر امتی، پیامبری را برانگیختیم (تا به مردم بگویند) که خداوند را بپرستید و از طاغوت (و هر معبدی جز خدا) دوری نمایید.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِّيرًا وَ نَذِيرًا وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَ فِيهَا نَذِيرٌ.<sup>۱</sup>

همانا ما تو را به حق برای بشارت و هشدار فرستادیم و هیچ امتی نبوده مگر آن که خداوند در آن هشدار دهنده‌ای گذشته است.

در همه دولت‌ها از قانون سخن می‌گویند، اما قانونی که در تعیین آن، شکم و شهوت دخالت ندارد پسندیده است و آن هم قانون انبیاء است که حزبی و شخصی و گروهی تنظیم نشده است. در تعریف عدالت گفته شد که هر چیزی را در جای خود قرار دادن است و یکی از چیزهایی که باید در جای خود قرار بگیرد پرستش صحیح است که خدا برای همه امتهای رسولی را فرستاد تا جایگاه پرستش را برای آن‌ها روشن کند و همه انسان‌ها را در مسیر عدالت قرار دهد.

#### ۴- عدالت خواهی فطری است

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا.<sup>۲</sup>

پس بدکاری و پرهیزکاری اش را به وی الهام نمود و او را بر عمل توانا ساخت.

اگر کودکی بستنی اش را برسم امانت به شما بدهد که برود و برگردد

۱. فاطر، آیه: ۲۴

۲. شمس، آیه: ۸

و شما کمی از آن را بخورید کودک به تندي به شما نگاه می‌کند که: چرا امانت داری نکردی؟! و یا دزدها مالی را که از راه دزدی به دست آورده- اند در موقع تقسیم می‌گویند: بباید آن را عادلانه تقسیم کنیم!!

### جواب به یک شبجه

در بحث عدالت اجتماعی گاهی سؤال می‌شود که چرا دست دزد را قطع می‌کنند و یا بالعکس که چرا در جامعه اسلامیمان دست دزد را قطع نمی‌کنند؟

قبل از بیان جواب باید به چند نکته توجه داشت:

۱- از دیدگاه اسلام؛ عالم زیر نظر خداوند است و دل بخواهی نیست تا هر کس نظری را بخواهد بدهد و متعاقباً بخواهد هرج و مرج بوجود بیاورد.

۲- همه ما باید پاسخ‌گو باشیم زیرا همه‌ی رفتار بشر زیر نظر خدای عادل است و باید برای ذره اعمال و افکارمان جواب‌گو باشیم.

۳- همه‌ی ما از خاکیم و میان ذرات خاک فرقی نیست. پس جهان هستی بر اساس حق آفریده شده است و هر کس بر اساس حکمت و عدالت، حقی دارد و تجاوز از آن ممنوع است.

۴- پدر و مادر همه‌ی ما انسان‌ها یکی است و هر ظلمی ظلم به هم- نوع و برادر و خواهر است.

با توجه به نکات فوق باید در جواب گفت که امثال این ایرادها، همه از روی عدم اطلاع و نداشتن علم کافی از متن فقه اسلام است؛ دست هر دزدی قطع نمی شود مگر با جمع شدن بیش از بیست و چند شرط، و این احکام برای حفظ جامعه و امنیت جامعه است که همهی جوانب آن را خداوند حکیم در نظر گرفته است و از روی نادانی مان نباید طوری رقم بزنیم مگر ما از خدای عالم و عادل و رحیم، دلسوزتر و یا داناتریم؟!

درس سوم:

اعتدال

## اعتدال از دیدگاه آیات و روایات

اعتدال از واژه عدل و مصدر باب افعال است.

این واژه در قرآن به معنی واژگان؛ قوام، قصد، وسط، حنیف، قسط آمده است.

با نگاه به آیات و روایات می‌آموزیم که چگونه زندگی‌ای مورد رضایت خداوند منان است و چگونه به آرامش در زندگی نائل می‌شویم.

۱- اعتدال؛ صفت حضرت ابراهیم علیه السلام حنیف است؛

ما کانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَ لَا نَصْرَانِيًّا وَ لَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا.<sup>۱</sup>

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه موحدی خالص و مسلمان

بود.

۲- راه جاهلان، اعتدال نیست؛

قَالَ عَلَى الْحَلِيلِ: لَا يُرِي الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفَرِّطًا.<sup>۲</sup>

جهال دیده نمی‌شود جز این که یا افراط می‌کند یا تفریط.

انسان نادان به خاطر عدم آگاهی و دانش، مسیری را می‌رود که خیال می‌کند بهترین مسیر است در حالی که یا از حد می‌گذرد که از مقصد

۱. آل عمران، آیه: ۶۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص: ۱۵۹.

دور شده است و یا کم می‌گذارد که به مقصد نمی‌رسد. پس برای رسیدن به اعتدال در زندگی باید به دنبال علم و دانش بود.

### ۳- راه تفریط پشمیمانی دارد؛

**قالَ عَلَى اللَّهِ: ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ وَ ثَمَرَةُ الْحَرْزِ السَّلَامَةُ .<sup>۱</sup>**

نتیجه کوتاهی در امور پشمیمانی، و حاصل دوراندیشی، سلامت است.

### ۴- نه جبر و نه تفویض؛

**قالَ الصَّادِقُ اللَّهِ: لَا جَبْرٌ وَ لَا تَفْوِيضٌ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ.<sup>۲</sup>**

فعال انسان نه از روی جبر است و نه تفویض بلکه امری ما بین آن دو است.

خداؤند انسانها را خلق کرده و کارهای نیک را از بد جدا کرده و به واسطه پیامبر درون یعنی عقل و پیامبر بیرون یعنی رسولان الهی، آنها را به انسان معرفی کرده است. از امام رضا<sup>علیه السلام</sup> پرسیدند که: **أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ** یعنی چه؟ فرمود مشیت و إراده خداوند بر این تعلق گرفته است که انسان به دنبال انجام کارهای پاکیزه رفته تا بر انجام آن او را کمک کند و پاداش دهد و کسی که به دنبال اعمال ناشایسته رود او را عقاب کند.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، حکمت: ۱۸۱.

۲. بخار الانوار، ج ۴، ص: ۱۹۷.

۳. روضه الوعظین، ج ۱؛ ص: ۳۸.

۵- اعتقاد به علم غیب؛

وَ يَسْتَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا.<sup>۱</sup>

و از تو درباره روح می پرسند. بگو: روح از امور پروردگارم (و مربوط به او) است و جز اندکی از دانش به شما نداده اند.

يَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي.<sup>۲</sup>

درباره قیامت از تو سؤال می کنند: کی فرا می رسد؟! بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است».

آیات بالا صراحتاً می فرمایند که انسان‌ها همه‌ی علوم را نمی دانند حتی پیامبر و ائمه نیز همه‌ی علوم غیب را نمی دانند لذا در آن چه که از وحی به ما می رسد باید مطیع باشیم و بر طبق آن باید عمل کنیم نه کمتر و نه بیشتر، تا با اعتدال، به آرامش در زندگی برسیم.

۶- اعتدال در همراهی با رهبران دینی است؛

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ اللَّهُ تَعَالَى سَافَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَفْطَرَ وَ أَمَرَ مَنْ مَعَهُ أَنْ يُفْطِرُوا فَتَوَقَّفَ بَعْضُهُمْ عَنِ الْفِطْرِ فَسَمَّاهُمُ الْعُصَاءُ وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ أَمْرُهُمْ فَلَمْ يَأْتِمُرُوا لِأَمْرِهِ.<sup>۳</sup>

۱. اسراء ۸۵

۲. اعراف ۱۸۷

۳. مستدرک، ج ۷، ص: ۳۷۴

پیامبر در ماه رمضان (به قصد مکّه) سفر نمودند و طبق تخریبی که زده بودند پیش از ظهر به مکّه نمی‌رسیدند ایشان افطار کردند و کسانی که همراه بودند را نیز امر به افطار کردند، تعدادی از آن‌ها ممانعت کردند و افطار نکردند و پیامبر به آن‌ها لقب معصیت کار را داد برای این که به آن‌ها امر کرده بود و آن‌ها از فرمان رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> سرپیچی کردند.

راه سعادت دنیوی و به رستگاری رسیدن در آخرت اطاعت از رهبران دینی و خدا و رسولش می‌باشد که این راه، راه اعتدال است زیرا آن‌ها به خیر و شرّ اعمال آگاه‌اند.

۷- همراه راه بلدان باید رفت؛

قال الامام الهادی علیه السلام: فَالْأَغِبُ عَنْكُمْ مَارِقُ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَآهِقُ وَالْمَقْصُرُ فِي حَقْكُمْ زَاهِقٌ.<sup>۱</sup>

هر کس از شما روی گردان شد از دین خدا خارج شده و هر کس ملازم شما بود به حق رسیده و آن که در حق شما کوتاهی کرد نابود گردید.

---

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۶۱۲. - زیارت جامعه کبیره.

## داستان

میسر بن عبدالعزیز، شیعه ناب امام صادق علیه السلام برای امام از همسایه خودش تعریف‌های زیادی کرد، که حتی با صدای قرآن او برای نماز شب بیدار می‌شوم.

حضرت پرسیدند ولایت ما اهل بیت را دارد؟ گفت نمی‌دانم.

سال بعد که عازم مکه شد، رفت از او خدا حافظی کند فهمیدم که به ائمه عقیده‌ای ندارد، دوباره وقتی برای امام از او تعریف کردم فرمود ولایت دارد، گفتم: نه، فرمود: اگر در بهترین سرزمین‌یعنی مکه و بهترین نقطه‌یعنی ما بین رکن و مقام باشد و سپس با مظلومیت کشته شود اما ولایت ما اهل بیت را نداشته باشد بر خدادست که او را در آتش جهنّم بیندازد.

بی حبّ علی بھشت رضوان مطلب

بی روزه و بی نماز غفران مطلب

-۸- غلوّ ممنوع؛

قال علی علیه السلام إِيَّاكُمْ وَالْغُلوّ فِينَا قُولُوا إِنَّا عَبِيدُ مَرْبُوبُونَ وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْنَا مَنْ أَحَبَّنَا فَلَيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا.<sup>۱</sup>

۱. تحف العقول، ص: ۱۰۴.

مبارا در حقّ ما غلوّ نمایید، فقط بگویید: ما بندۀ‌هایی هستیم دست-پرورده خداوند، آن گاه هر آن چه در فضل ما می‌خواهید بگویید. هر کس دوستدار ما باشد لازم است رفتار ما را در پیش بگیرد.

۶۹  
اهل بیت واسطه فیض الهی هستند و همان طور که خداوند در آیه سوره احزاب در مورد حضرت موسی علیه السلام فرموده است که: کانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيْهَا؟ او در نزد خدا آبرومند بود. ما شیعیان هم، پیامبر و اهل بیت او را از آبرومندان درگاه الهی می‌دانیم که به آن‌ها توسّل باید جست اما از خرافاتی مانند رشته به درخت بستن و بسیاری از چیزهایی که در عرف از سال‌خورده‌های جاهل قدیمی به دست ما رسیده باید برحدزr بود. یا درباره‌ی حضرت علی علیه السلام نباید افراط کرد که او خدادست و نه باید تفریط کرد که او خلیفه‌ی چهارم است. پس راه نجات اعتدال در ایمان به اهل بیت علیه السلام در کنار ایمان به خداوند متعال و پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده و در رکاب آن‌ها گام برداشتن است.

## داستان

احترام عمومی پیر به برادرزاده نوجوان:

علی بن جعفر برادر امام کاظم علیه السلام در مسجد مدینه مشغول نوشتند روایات امام بود که امام جواد علیه السلام وارد شد. علی بن جعفر از کلاس درس خود حرکت کرد و بدون عبا به استقبال او رفت و دست او را بوسید.

شاگردان اعتراض کردند که چرا چنین کردی؟ دستی به محاسنش کشید و فرمود: اگر خدا این محاسن را لایق امامت می‌دانست آن را به من می‌داد و با اشاره به امام فرمود: این جوان لایق امامت است. علی بن جعفر کفشهای امام جواد علیه السلام را جفت می‌کرد!! و این در حالی که علی بن جعفر پیر مرد و عمومی امام جواد علیه السلام بود.

۹- اعتدال در انتخاب دنیا و آخرت؛

الف) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً.<sup>۱</sup>

پروردگار!! در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما.

---

۱. بقره، آیه: ۲۰۱

### داستان

سعدی گفت: شبی در میان غافله‌ای دیدم نیمه شب کسی سر به ناله و مناجات بلند کرده و در بیابان می‌نالد. فردا به او گفتم تو را چه شده بود که این سان می‌نالیدی؟

گفت دیدم که کبک‌های روی کوه، ببلان بر درختان، حیوانات میان جنگل‌ها مشغول مناجاتند از جوانمردی به دور دیدم ننالم!!.<sup>۱</sup>

ب) رِجَالُ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةً وَ لَا يَبْيَعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ.<sup>۲</sup>

مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد.

### داستان

سه تا از زنان اصحاب پیامبر ﷺ رسیدند و یکی گفت که شوهرم گوشت نمی‌خورد و دیگری گفت که شوهرم از بوی خوش استفاده نمی‌کند و یکی هم گفت که شوهرم از من دوری می‌کند.

پیامبر ﷺ عبای خود را بر دوش کشید و به منبر رفت و فرمود: بعضی از اصحاب من گوشت نمی‌خورند و از بوی خوش و زنان دوری می‌کنند اما: أَمَا إِنِّي آكُلُ اللَّحْمَ وَ أَشَمُ الطَّيْبَ وَ آتَى النِّسَاءَ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُتُّنِي فَلَئِسَ مِنِّي. من گوشت می‌خورم و از بوی خوش استفاده می‌کنم و از خانواده‌ام دوری نمی‌کنم و این‌ها جزء سنت‌های من است و هر که از آنها روگردن باشد از من نیست. و در جای دیگری که زنی از شوهرش شکایت برد

۱. گلستان، ص: ۱۲۷.

۲. نور، آیه: ۳۷.

پیامبر ﷺ به آن مرد فرمودند: لَمْ يُرْسِلْنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعْنَى  
بِالْحَنِيفَيَّةِ السَّهَلَةِ السَّمْحَةِ؛<sup>۱</sup> خداوند مرا برای رهبانیت و گوشه گیری  
نفرستاده است بلکه مرا به دین و روش آسان میعوشت نمود.

ج) فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَاتَّشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ<sup>۲</sup>

چون نماز تمام شد در روی زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید  
(و در پی کار و روزی بروید).

سفرارش پیامبر و اهل بیت ﷺ این است که نه این‌گونه باشیم که فقط  
به سمت دنیا برویم و آخرت را رها کنیم و نه اینکه فقط به فکر آخرت  
بوده و عبادت کرده و از تلاش و کوشش و رزق و روزی حلال رفتن  
غافل شد. سنت رسول خدا ﷺ تلاش و کوشش در این دنیا را جزء  
عبادات محسوب کرده و از امام باقر ﷺ هست که در گرمای تابستان  
مشغول کار بود که شخصی اعتراض کرد و امام فرمود که اگر اکنون مرگ  
من فرا رسد در بهترین حالت از دنیا رفته‌ام.

۱۰- اعتدال در قبول کتب آسمانی؛

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ.<sup>۳</sup>

و ما کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که این قرآن  
کتاب‌های قبل از خود (تورات و انجلیل) را تصدیق می‌کند.

۱. کافی، ج ۵، ص: ۴۹۶.

۲. جمیع، آیه: ۱۰.

۳. مائدہ، آیه: ۴۸.

قرآن کتابی آسمانی است که خداوند برای اینکه این معجزه تا روز قیامت در اختیار امّت رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> قرار گیرد فرموده که من خود حافظ و نگهبان اویم.<sup>۱</sup> و برای ثابت بودن این معجزه برای همگان، ادعای تحدى تحدی کرده که اگر انسان‌ها می‌توانند مثل این کلام را بیاورند.<sup>۲</sup> آری قرآن، کتب آسمانی دیگر را هم معرفی کرده است در عین حال آن‌ها بیان که عناد دارند با آن به مخالفت بر می‌خیزند از جمله عده‌ای از یهودیان:

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا.<sup>۳</sup>

جماعتی از یهودیان هستند که کلمات الهی و سخنان او را در تورات از محل خود تغییر داده و می‌گویند: شنیدیم و مخالفت کردیم! راه اعتدال قبول کردن کلام آسمانی که به صورت دقیق به ما رسیده است و عمل کردن به فرامین آن است. شیعه علاوه بر اعتقاد به کتب آسمانی، قرآن را معجزه و کلام الهی می‌داند که بر خاتم پیغمبران نازل شده و خود را ملزم به عمل به احکام و فرامین آن می‌داند.

### ۱۱- اعتدال در عبادت

قال الصَّادِقُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامٌ: لَا تَكْرُهُوا إِلَى أَنفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ<sup>۴</sup>

با کراحت، عبادات را به خویش تحمیل نکنید.

۱. حجر، آیه: ۹.

۲. بقره، آیه: ۲۳، یونس، آیه: ۳۸، هود، آیه: ۱۳.

۳. نساء، آیه: ۴۶.

۴. کافی، ج ۲، ص: ۸۶.

عبادت شوق و ذوق و شناخت لازم دارد و اگر مقدمه آن که شناخت باشد حاصل شد یقیناً احساسات در آن دخیل نخواهد بود و همچنین بی حالی و بی رغبتی نیز، آن را خراب نخواهد نمود.

در عبادت از روی معرفت؛ افراط و تفریط جایگاهی نخواهد داشت مثلاً در مورد نمازخواندن که تکلیف آن است که باید ایستاده باشد گفته- اند اگر نشد نشسته، اگر نتوانست به صورت خوابیده، و یا در مورد روزه اگر کسی مريض بود و روزه بر او ضرر داشت قرآن می فرماید که:

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمُهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّهُ مِنْ أَيَّامٍ  
أُخْرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ.<sup>۱</sup>

پس هر کس از شما که این ماه را دریابد، باید روزه بگیرد. و آن کس که بیمار یا در سفر باشد، روزهای دیگری را به همان تعداد روزه بگیرد. خداوند برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد.

### داستان ۱

عبدالله عمر با یارانش در سفری سفره انداختند چوپانی را تعارف کردند گفت: روزه‌ام!

با این هوای گرم و زحمت چوپانی روزه‌ای؟! گفت: برای آخر تم کار می‌کنم تا ذخیره‌ای داشته باشم.

.۱. بقره، آیه: ۱۸۵

یکی از گوسفندان را بفروش و با گوشتش افطار کن گفت:  
گوسفندان مال من نیستند من چوپانم.

عبدالله عمر گفت که صاحبش متوجه نمی‌شود! چوپان با انگشت به آسمان اشاره کرد و گفت: **فَأَيْنَ اللَّهُ؟** پس خدا کجاست!؟ عبدالله تا آخر عمر سخن چوپان را تکرار می‌کرد و می‌گفت: **قَالَ الرَّاعِي فَأَيْنَ اللَّهُ؟** به قول چوپان پس خدا کجاست!؟.

## داستان ۲

داستان نیم دانگ مال یتیم و دوهزار و هفتصد سال معطّلی!  
حضرت عیسی از قبرستانی گذر کرد؛ گفت خدایا یکی از این‌ها را زنده کن تا احوال قیامت بپرسم، ناگاه کسی از قبری بیرون آمد. عیسی از او پرسید: تو کیستی؟ گفت: **فَلَانی**.

فرمود چند سال است مرده‌ای؟ گفت: دو هزار و هفتصد سال.  
فرمود: مرگ را چگونه یافته؟ گفت از مُردن تا کنون تلخی مرگ با من است فرمود: خدا با تو چه کرد که چنین تلخ مرگی؟ گفت: از آن تاریخ تا کنون گرفتاری حساب نیم دانگ مال یتیم در گردن من است و هنوز از حساب فارغ و آسوده نشده‌ام، این را گفت و در قبر فرو رفت.

به هوش باشیم که اموال بیت‌المال در دست ما؛ هم مال یتیم است و هم صغیر و هم بی‌کس و کار.

۱۲- اعتدال در محبت به فرزند

قال النبی ﷺ: اعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي السُّرُّ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْأَبْرِ وَاللَّطْفِ<sup>۱</sup>

بین فرزندانتان به عدالت رفتار کنید چنان که می‌خواهید بین شما در احسان و لطف به عدالت برخورد شود.

برای تربیت کودکان ابزاری از قبیل عقل و علم و تجربه لازم است و رعایت اعتدال در بین فرزندان نیز از نکات مهم در تربیت است. از لوازم دیگر تربیت کودکان، اصل تغافل است. و نیز بزرگان دین گفته‌اند وقتی با کودکان سر و کار دارید برای تفهیم بیشتر مطالب به آنان باید کودک شوید.

چون که با کودک سر و کارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

نکته‌ای که در اینجا قابل توجه است این که: عمر کودک را تا زمان جوانی به سه دوران تقسیم کرده‌اند: در هفت سال اوّل، حکم امیر و حاکم را دارد که امر و نهی می‌کند و والدین باید فرمانش را ببرند و در هفت سال دوم، حکم غلام و فرمانبردار را دارد که فرمان والدین را می‌برد و در هفت سال سوم، وزیر و طرف مشورت والدین قرار می‌گیرد که اگر پدران و مادران با این شناخت عمل کنند و با ملاحظه این حالات سه

---

۱. جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی)، ج ۲۶، ص: ۸۷۲.

گانه فرزند را تربیت کنند در تربیت موفق خواهند بود ولی اگر روحیات ذکر شده را نشناسند شاهد موفقیت چندانی نخواهند بود.

نکته دیگری که قابل ذکر است رعایت رفق و مدارا می‌باشد. در روایات اسلامی آمده است که به فرزندتان حکمی را تحمیل نکنید که نتواند انجام دهد و حتی در سخن گفتن گفته‌اند: با فرزندانتان بر اساس قدرت درک‌شان صحبت کنید. و نیز: آنان را به تربیت زمانه تربیت کنید زیرا شما و آن‌ها مربوط به دو زمان هستید.

### ۱۳- بهداشت و اعتدال

وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتَنَا لِلطَّائِفَيْنِ وَالْعَاكِفَيْنِ وَالرُّكَّعَ السُّجُودَ.<sup>۱</sup>

و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.

#### \* حمام رفتن

امام هفتم (علیه السلام) فرمودند یک روز در میان به حمام بروید؛ **الحَمَّامُ يَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا**.<sup>۲</sup>

#### \* مسوак زدن

قال الباقر (علیه السلام): صَلَاءُ رَكْعَيْنِ بِسِوَاكٍ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً بِغَيْرِ سِوَاكٍ.

۱. بقره، آیه: ۱۲۵.

۲. کافی، ج: ۶، ص: ۴۹۶.

دو رکعت نماز شخصی که مسوак زده برتر است از هفتاد رکعت شخصی که از مسواك استفاده نمی‌کند.

در مسواك تأکید زیادی شده گاهی عده‌ای در روز چندین بار عمل می‌کنند و عده‌ای هر ماه یک بار هم عمل نمی‌کنند. مسواك در صورتی به دندان خدمت می‌کند که با اعتدال باشد زیاده‌روی در آن عاج دندان را از می‌برد و موجب لغرض و ضعف ریشه‌های آن می‌شود.<sup>۱</sup>

#### \*لباس تمیز

وَثِيابكَ فَطَهَرْ وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرْ.<sup>۲</sup>

و لباس را پاک کن و از پلیدی دوری کن.

#### \*عطر زدن

قال الصادق علیه السلام: صَلَاةً مُنْتَطَبِّبَ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ صَلَاةً بِغَيْرِ طِيبٍ.<sup>۳</sup>

نماز انسان عطر زده، بر هفتاد نمازی که بدون عطر زدن بخواند برتری دارد.

#### ۱۴- اعتدال در جاذبه و دافعه

مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ

محمد علیه السلام فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهریانند.

۱. طب الرضا عليه السلام/ترجمه امیر صادقی، ص:۵۹.

۲. مدثر، آیات: ۴ و ۵.

۳. وسائل الشیعه، ج: ۴، ص: ۴۳۴.

خداؤند در یک جا ارحم الرّاحمین است و محلّ عفو و رحمت، و در یک جا اشدّ المعقّبين است. و یا امام حسین علیه السلام در شب عاشوراء دعا می‌خواند و روز عاشورا شمشیر می‌زند.

و در اجرای حدود الهی آن‌جا که حکم خداوند در میان است هیچ ترحمی نباید کرد:

وَ لَا تَأْخُذُكُمْ بِهِمَا رَأَفَةً فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ.<sup>۱</sup>

اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید در اجرای دین خدا نسبت به آن دو، گرفتار دلسوزی نشوید.

#### ۱۵- اعتدال در بخشش

وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً.<sup>۲</sup>

و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.

#### \*اعتدال باعث جلوگیری از حسرت

وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنْقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا.<sup>۳</sup>

هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما)

۱. نور، آیه: ۲.

۲. فرقان، آیه: ۶۷.

۳. اسراء، آیه: ۲۹.

و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی!.

\*به فکر برادر دینی هم بودن

قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ، مَنْ كَانَ لَهُ قَمِصَانٌ فَلْيَبْسُ أَحَدَهُمَا وَ لْيُكُنْ الْآخَرُ لِأَخِيهِ.<sup>۱</sup>

اباذرا! هر کس برای او دو پیراهن است یکی را بپوشد و دیگری که نیاز ندارد به برادرش بدهد.

\*نیمی از زندگی، درست مصرف کردن است.

قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِقْتَصَادُ فِي النَّفَقَةِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ.<sup>۲</sup>

میانه روی در خرج و مخارج، نیمی از زندگی و معیشت است.

\*محبوب‌ترین نفقه

قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ نَفَقَةٍ قَصْدٍ.<sup>۳</sup>

نفقه‌ای نزد خداوند از نفقه‌ای که در آن میانه روی شود محبوب‌تر نیست.

۱۶ - اعتدال در پذیرایی از مهمان

\* غذای مهمان

قالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَتَاكَ أَخْوَكَ فَأَتَهِ بِمَا عِنْدَكَ، وَ إِذَا دَعَوْتَهُ فَتَكَلَّفْ لَهُ.<sup>۴</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص: ۵۴.

۲. نهج الفصاحه، ج: ۱۰، ص: ۵۷.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۲۷۹.

۴. محسن، ج ۲، ص: ۴۱۰.

اگر مهمان بر تو آمد هر چه هست بیاور و اگر دعوتش کردی برایش فراهم کن.

\*اکرام مهمان به اندازه‌ای که اذیت نشود

قال الحسن العسكري اللَّٰهُمَّ لَا تُكْرِمِ الرَّجُلَ بِمَا يَشْقُّ عَلَيْهِ.

شخص را به گونه اکرام کن که به مشقت و سختی نیفتند.

\*میهمانان فقط غنی و یا فقط نیازمند ممنوع

قال علی اللَّٰهُمَّ مَا ظَنَّتُ أَنَّكَ تُجِبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْهُوٌّ وَ غَنِيٌّ  
مَدْعُوهٌ!

گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان محروم شده، و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند.

### نمونه‌ای از مهمانی‌ها:

- (۱) مهمانی‌های شاهانه جشن ۲۵۰۰ ساله نمونه‌ای از عبرت‌های روزگار ماست که عاقبتی جز در به دری برای میزبان نداشت.
- (۲) همچنین میهمانی‌های شاهانه حسنه مبارک، آن فرعون مصر که او را در این روزها همچون گرگی در قفس محاکمه می‌کنند تا جواب بعضی از ظلم‌هایش را بدهد.
- (۳) برای درس گرفتن می‌توان از سفره‌های رنگین معاویه هم درس گرفت که الان جایگاهش، قبری مخوف است و او را درس عبرت

دیگران قرار داده است اما انفاق‌های امیرالمؤمنین جایگاهش، عبادتگاه عرشیان و فرشیان گردیده که برای ارتباط با خدای عالم، به مرقد او تمسک می‌جویند.

### ۱۷- اعتدال در حسن ظن و سوء ظن

\*حمل بر صحت

قال علی علیہ السلام: ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ.<sup>۱</sup>

کار برادرت را به بهترین وجه حمل کن.

### داستان

مولایی با غلامش به باغی می‌رفتند مولا خیاری را به دو نیم کرد و نیمی را به غلام داد ولی پس از مدتی مولا نیم خیار خود را خورد و دید به شدّت تلخ است.

به غلام گفت: خیار به این تلخی را چگونه با نشاط خورده؟

غلام گفت: ای خواجه از دست تو چرب و شیرین زیاد خورده‌ام شرم

کردم به خاطر یک خیار تلخ اعتراض کنم.

مولا گفت: تو در راه خدا آزادی.<sup>۲</sup>

\*پرهیز از سوء ظن

اجتَبِيُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ.<sup>۳</sup>

۱. کافی ج ۲ ص ۳۶۲

۲. جوامع الحکایات ص ۲۱۸

۳. حجرات ۴۹

از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

#### \* خوشبینی به اندازه

قالَ الصَّادِقُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُلْسِعُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرٍ مَّرَّتَيْنَ.<sup>۱</sup>

انسان عاقل از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.

#### \* اطمینان بی‌جا ممنوع

إِذَا تَدَائِنْتُمْ بِدِينِ إِلَى أَجَلٍ مُسَمَّى فَاقْتُبُوهُ.<sup>۲</sup>

هنگامی که بدھی مدت‌داری به یکدیگر پیدا می‌کنید، آن را بنویسید.

۱۸ - اعتدال در آزادی

#### \* انسان آزاد است

قالَ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا.<sup>۳</sup>

برده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید،

#### \* آزادی مرز لازم دارد

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهَرُ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ.<sup>۴</sup>

خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدی‌های دیگران را اظهار کند مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد.

۱ . کافی ج ۳ ص ۶۱۲

۲ . بقره ۲۸۲

۳ . نهج البلاغه نامه ۳۱

۴ . نساء ۱۴۸

## ۱۹- اعتدال در ازدواج

وَ أَنْكِحُوا الْيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءٌ  
يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ<sup>۱</sup>

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست کارتان را اگر فقیر و تنگ دست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد خداوند گشايش دهنده و آگاه است.

بعضی برای ازدواج هیچ شرطی ندارند و بعضی شرط‌های سخت و مشکلی می گذارند، و بعضی فقط شرط مادی و بعضی صرفاً معنوی را در نظر می گیرند.

### حقیقتی جالب !!

شخصی به رفیقش گفت: اگر یک ذره‌ای عقل باشد می توان جلوی بسیاری از طلاق‌ها را گرفت.

رفیقش گفت: آری اگر کمی عقل باشد می توان جلوی بسیاری از ازدواج‌ها را گرفت!!.

### \*بی عفّتی و طلاق!

ارتباط بی عفّتی با طلاق بسیار نزدیک است تو ماس اکمپس می گوید: لذت‌های جسمانی در اوّل کار به ما لبخند می زنند ولی عاقبت، نیش

زهرآلود خود را در روح ما فرو برد و هلاکمان می کند.

سالانه ده هزار نفر در آلمان خودکشی می کنند و می میرند و ۱۳۰۰ نفر در حال خود کشی، نجات می یابند.

طبق آمار یونسکو در هر دقیقه یک نفر در آمریکا در صدد خودکشی بر می آید.

که همه‌ی این‌ها حکایت از این دارد که هر جا بی‌عفتی بیشتر؛ خودکشی، طلاق، و ناهنجاری‌های اخلاقی بیشتر است که همه‌ی این‌ها زهرهایی‌اند که چیزی جز نکبت به بار نمی‌آورند.

و گاه می‌گویند: بچه‌ها بی‌حجاب باشند تا عادی شود! که در جواب می‌گوئیم: اگر عادی می‌شد چرا میانگین تجاوز به عنف از هر ۳۴ دقیقه به ۱۴ دقیقه در آمریکا رسیده است!!.



درس چهارم:

عوامل

بسیار دیده می‌شود که افرادی در زندگی شخصی و یا جمعی، از راه عدالت به انحراف رفته‌اند و به جای برخورد عادلانه؛ گاه می‌شود که از روی جهل و گاه از روی علم، رفتاری ظالمانه را از خود به جای می-گذارد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که: اگر عدل جزء فطرت بشر است پس چرا بعضاً در جامعه و بسیاری از زندگی‌ها به عدالت توجه نمی‌شود؟ برای رسیدن به جواب، عواملی را که باعث ایجاد بی‌عدالتی در جامعه یا زندگی شخصی می‌شود را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

## عوامل بوجود آمدن بی عدالتی

### ۱- محبت بی جا

یکی از عواملی که ما را از عدالت دور می‌کند؛ در نظر گرفتن بعضی از محبت‌های شخصی است حتی در تربیت فرزند هم بسیارند انسان‌هایی که این محبت آنها را کور کرده و فرزندی بی‌ظرفیت را تحويل جامعه می‌دهند. در اینجا لازم است به چند نکته اشاره شود:

\*بر پاداشتن عدالت، هر چند به ضرر خودم یا نزدیکانم

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَى أَنفُسِكُمْ أُوْ  
الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ.<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برپا دارنده‌ی عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید، گرچه به ضرر خودتان یا والدین و بستگان باشد.

\*حکم خدا مقدم بر محبت پدر فرزندی است

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَةَ السَّعْيِ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أُرِي فِي الْمَنَامِ أُنِّي أُذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَا ذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعُلْ مَا تُؤْمِرُ سَتَجْدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ.<sup>۲</sup>

پس چون نوجوان در کار و کوشش به پای او رسید، پدر گفت: ای فرزندم! همانا در خواب (چنین) می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم پس نظر تو

۱. نساء، آیه: ۱۳۵.

۲. صافات، آیه: ۱۰۲.

چیست؟ فرزند گفت: ای پدر! آن چه را مأمور شده‌ای انجام ده که به زودی اگر خدا بخواهد مرا از صبر کنندگان خواهی یافت.

### \*بزرگ‌ترین مصیبت

قال علی اللَّٰهُ أَكْبَرُ: أَعْظَمُ الْمَصَائِبِ وَالشَّقَاءِ الْوَلَهُ بِالدُّنْيَا.<sup>۱</sup>

بزرگ‌ترین مصیبت و بدبختی، محبت زیاد به دنیا داشتن است.

### \*محبت حرام

مَنْ شُغِفَ بِمَحَبَّةِ الْحَرَامِ وَشَهْوَةِ الزَّنَّا فَهُوَ شَرُكُ شَيْطَانٍ.<sup>۲</sup>

کسی که شیفته محبت حرام و شهوت زنا شود، در دام شیطانست.

## ۳- دشمنی بی‌جا

\* بسیاری از بی‌عدالتی‌ها از روی غرض‌ها و کینه‌های درونی است که برای انتقام گرفتن و آرام کردن نفس است. در صدر اسلام، سران مشرکان برای این که به آن اهداف درونی خود برسند از روی عناد و دشمنی در مقابل کلام الهی که به واسطه رسول خدا صلوات اللہ علیہ و آله و سلم به مردم ابلاغ می‌شد می-ایستادند و حتی مردم را امر می‌کردند که حق ندارند صدای او را بشنوند در حالی که صدای قرآن، دعوت به حق و عدالت بود.

به چند نکته مهم در اینجا اشاره می‌کنیم:

۱. غرالحكم، ح: ۲۵۵

۲. من لا يحضر الفقيه، ح: ۵۹۰، ص: ۹

\* عدالت محوری، دستور قرآن است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا.<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی عدالتی و ادار نکند. به عدالت رفتار کنید.

\* دشمنان؛ خیر کسی را نمی توانند ببینند

مَا يَوَدُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِكُينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رِبَّكُمْ.<sup>۲</sup>

کافران از اهل کتاب و مشرکان، دوست ندارند که هیچ خیر و نیکی از طرف پروردگار تان بر شما نازل شود.

\* دشمنان محرم اسرار نیستند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَخَذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَ دُؤُوا مَا عَنِتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَعْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُ.<sup>۳</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شر و فسادی درباره شما، کوتاهی نمی کنند. آنها دوست

.۱. مائدہ، آیه: ۸.

.۲. بقره، آیه: ۱۰۵.

.۳. آل عمران، آیه: ۱۱۸.

دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلامشان) آشکار شده و آنچه در دلهایشان پنهان می‌دارند بر ملا گردیده است.

\*نتیجه دشمنی با عدالت

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا سَأْرُهُقُهُ صَعُودًا.<sup>۱</sup>

هرگز چنین نخواهد شد چرا که او نسبت به آیات ما دشمنی می‌ورزد! و بزودی او را مجبور می‌کنم که از قله زندگی بالا رود سپس او را به زیر می‌افکنم!

### ۳- دنیا پرستی

دنیا رهگذری است برای برداشت بذر برای راهی که هیچ کس نمی-تواند در آنجا او را یاری کند. اما عده‌ای عالم را در دنیا کوچک محدود کرده‌اند و در پی آن پاشنه‌های کفش را کشیده و از هر ظلمی دریغ نمی-کنند و حال آن که مدتی کوتاه برای خوش‌گذرانی‌ها یش رقم نمی‌خورد و دیری نگذرد که جواب ظلمش را در همین دنیا فانی خواهد دید و غافل از آن راه و نعمات در پایان راه؛ در عذاب الهی غوطه‌ور خواهد شد.

در اینجا به چند نکته اشاره می‌کنیم:

---

۱. مدثر، آیه: ۱۶ و ۱۷.

\* هر کس حق خودش

وَ لَا تَأْكُلُوا أُمُوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تُدْلُوْا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا  
مِنْ أُمُوالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ<sup>۱</sup>

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به کیسه‌ی حاکمان و قضات سرازیر نکنید.

\* امان از رشوه

قَالَ الرَّضَا اللَّيْلَةَ: لَعْنَ اللَّهِ الرَّأْشِيَ وَ الْمُرْتَشِيَ وَ الْمَاشِيَ بَيْنَهُمَا<sup>۲</sup>.

خدرا رشوه دهنده و رشوه گیرنده را با آن که میان آن‌ها واسطه می‌شود لعنت کند.

\* بوی بهشت به او نمی‌رسد

قَالَ الرَّضَا اللَّيْلَةَ: إِيَّاُكُمْ وَ الرُّشُوْةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ وَ لَا يَشْمُ صَاحِبُ الرُّشُوْةِ<sup>۳</sup>  
رِيحَ الْجَنَّةِ.

بر حذر باشید از رشوه که آن راه کافران است و رشوه‌دهنده بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

۱. بقره، آیه: ۱۸۸.

۲. جامع الاخبار، ص: ۱۵۶.

۳. همان.



درس پنجم:

عدالت

## اعتدال در عبادت

\* داشتن شوق در عبادت

قال الصادق عليه السلام: لَا تُكَرِّهُوا إِلَى أَنفُسِكُمُ الْعِبَادَةِ.<sup>۱</sup>

عبادت خداوند را با وجود خستگی و بی میلی بر خود تحمل ننمایید.

\* به اندازه طاقت

قال رسول الله صلوات الله عليه وآله وسلام: عليکم من الأعمال بما تطیعون فإن الله لا يمل حتى  
تملوا.<sup>۲</sup>

بر شما باد که به اندازه طاقتان خدا را عبادت کنید که توفیق خداوند  
تا زمانی است که بنده را ملال و خستگی گیرد.

\* با میانه روی باشد

قال رسول الله صلوات الله عليه وآله وسلام: ما أحسن القصد في الغنى، ما أحسن القصد في الفقر و  
أحسن القصد في العبادة.<sup>۳</sup>

چه نیکوست اعتدال هنگام بینیازی، چه نیکوست اعتدال هنگام  
نداری و چه نیکوست اعتدال در عبادت.

۱. کافی، ج ۳، ص: ۲۲۳

۲. نهج الفصاحه، ح: ۱۹۴۹

۳. نهج الفصاحه، ح: ۲۶۰۸

\* با خوش‌گمانی به خدا

قال رسول الله ﷺ: مِنْ حُسْنِ عِبَادَةِ الْمَرءِ حُسْنُ ظَنِّهِ<sup>۱</sup>

از جمله عبادت نیکوی مرد؛ خوش‌گمان بودن او به خدادست.

\* فقط برای خدا

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبِلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا وَ<sup>۲</sup>  
ابغى به وجهه.

خداؤند از عبادت‌ها جز آنچه خاص است باشد و به خاطر او انجام گیرد  
را نمی‌پذیرد.

\* در جوانی باشد

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّابَ الَّذِي يَقْنِي شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.<sup>۳</sup>  
خداؤند جوانی را که عمر خود را در عبادت خدا بسر می‌برد دوست  
دارد.

\* عالمانه باشد

قال الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَالَمٌ يُتَنَفَّعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ.<sup>۴</sup>  
عالیمی که دیگران از دانش او بهره گیرند، برتر و بالاتر از هفتاد هزار  
عبد است.

۱. نهج الفصاحه، ح: ۳۰۴۲

۲. نهج الفصاحه، ح: ۱۷۷

۳. نهج الفصاحه، ح: ۸۰۰

۴. کافی، ج ۱ ص: ۷۹

\* مخفی باشد

قال رسول الله ﷺ: أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَخْفَاهَا<sup>۱</sup>

عبادتی اجر بیشتری دارد که نهان تر باشد.

\* انواع عبادت

قال رسول الله ﷺ: أَدَّ ما افترض اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ تَكَنْ مِنْ أَعْبُدَ النَّاسَ وَاجتنبْ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ تَكَنْ مِنْ أُرْعَ النَّاسَ وَارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكَنْ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ.<sup>۲</sup>

واجبات خدا را به جای آورید تا عابدترین مردم باشی، و از محرمات خدا بپرهیز تا پارساترین مردم باشی به قسمتی که خدا برای تو تعیین کرده راضی باش تا بی نیازترین مردم باشی.

## اعتدال در ارتباط

یکی از دستورات دین ما در بحث ارتباط با دیگران؛ داشتن اعتدال است و حتی در این رابطه از طرف خداوند متعال به مؤمنان خطاب شده است که:

مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رَضْوَانًا.<sup>۳</sup>

۱. نهج الفصاحه، ح: ۳۴۹.

۲. نهج الفصاحه، ح: ۱۱۵.

۳. فتح، آيه: ۲۹.

محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند. این کلام نورانی الهی، راه و رسم ارتباط با دیگران را به مؤمنان نشان می‌دهد که خلاصه اعتقدال در رفتار را نشان می‌دهد که چگونه با خدا و چگونه با دوستان و چگونه با بیگانگان ارتباط برقرار کنیم که اجمالاً به شرح آن می‌پردازیم:

### ۱- رابطه با بیگانگان: (أشداء)

مشرکان در آغاز بعثت در مکه به پیامبر ﷺ سنگ می‌زدند. در جنگ اُحد، طلحه بن ابی طلحه پرچم دار غول پیکر دشمن، مقابل علیؑ قرار گرفت و به او لقب یا قضیم داد که به معنای گوش‌مال‌کننده است و علت اینکه این لقب را به او داد این بود که: تا حضرت ابوطالب زنده بود کسی جرأت آزار پیامبر را نداشت و چون او از دنیا رفت علی به او گفت: هرگاه بیرون می‌روی مرا همراه خود ببر. وقتی کسی به پیامبر اهانت می-کرد گوش‌هایش را می‌گرفت و فشار می‌داد لذا لقب قضیم گرفت.<sup>۱</sup>

وظیفه هر مؤمنی است که در برابر کافران و کسانی که در برابر اسلام قد علم می‌کنند و می‌خواهند که دین و شعائر دین را به باد سُخره بگیرند

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص: ۵۲

به شدّت ایستاد و محاکم جوابشان را داد. امام خمینی قده با تمام عزّت فریاد بر می‌آورد که ای آمریکا! تو هیچ غلطی نمی‌توانی در مقابل اسلام و مؤمنان انجام دهی، و این برآمده از متن دستورات اسلام است که در مقابل بیگانگان به شدّت ایستاد؛ **أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ**.

### ۲- رابطه با خودی: (رُحْمَاءُ)

حضرت رسول مکرم اسلام در میان مؤمنان و خودی‌ها، خوش بزم و حتّی شوخ طبع بود روزی صفیه عمه پیامبر گفت: ای رسول خدا صلی الله علیہ و آله و سلّم دعا کن من به بهشت بروم.

پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلّم با مزاح فرمود: پیر زن به بهشت نمی‌رود.

صفیه با چشمی اشکبار از مجلس خارج می‌شد که حضرت فرمود: پیر زن اول جوان می‌شود و سپس به بهشت می‌رود؛ **فَجَعَلْنَا هُنَّ أَبْكَارًا**.<sup>۱</sup>

\*نتیجه ترجم

قال على صلی الله علیہ و آله و سلّم: مَنْ تَرَحَّمَ رُحِمْ.

هر کس که رحم کند مور رحمت واقع خواهد شد.

\*اکرام مؤمن؛ اکرام خدادست

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیہ و آله و سلّم: مَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِنًا فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ<sup>۲</sup>

۱. واقعه، آیه: ۳۶.

۲. غرالحکم، ح: ۱۵۵۰.

۳. مستدرک، ج ۱۲، ص: ۴۱۹.

هر کس مؤمنی را مورد اکرام خود واقع کند خدا را اکرام کرده است.

### ۳- رابطه با خدا: (رَكِعَ سُجَّدَ)

ایمان به خدا و تواضع در برابر او و عمل به تمامی فرامین او، راه کمال انسانیت است و در این آیه، خصوص را یکی از صفات مؤمنان می‌شمارد و آن چه که باعث نرمی روح و جان انسان می‌شود همین تواضع در پیش‌گاه الهی است.

ایمان را به زراعت تشبیه کرده‌اند که در آن، نکته‌هایی است از جمله:

الف: کشت از دل زمین است و ایمان نیز از دل است.

ب: کشت در محیط مناسب رشد می‌کند و ایمان هم در محیط سالم.

ج: کشت دارای رشد طبیعی و تدریجی است و ایمان نیز به صورت تدریج و همیشگی ارزش دارد نه مقطوعی.

### ۵/ استان

دو همسایه یکی مسیحی و دیگری مسلمان بی‌سلیقه.

مسلمان، مسیحی را به دین اسلام دعوت کرد و او هم پذیرفت. نیمه شب رفت سراغ تازه مسلمان تا روز او لش او را برای نماز شب به مسجد ببرد و آن قدر او را مجبور به عبادت کرد تا اینکه نماز مغرب و عشاء را هم خواندند و به خانه برگشتند.

روز بعد که به سراغش رفت. تازه مسلمان گفت همان دیشب که از

مسجد برگشتم از دین تو هم برگشتم! من فقیر و عیالمندم برو یک انسان  
بی کار پیدا کن.<sup>۱</sup>

لذا در ارتباط با خدا، اعتدال در زندگی باید لحاظ شود که ساعتی را  
برای عبادت و ساعتی را برای کار و ساعتی را هم برای استراحت و در  
اختیار خانواده قرار دهد که همه‌ی این‌ها یک نوع ارتباطی را با خدا ایجاد  
می‌کند و ارتباط تنها در مسجد بودن، نماز و دعا خواندن نیست.

#### ۴- ارتباط با خود: (يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا)

مؤمن در ارتباط‌هایی که با خود می‌گیرد و خلوت‌هایی که با نفس  
خود دارد گاه خود را باید تشویق کند و گاه باید تنبیه و گاه باید برای  
فردایش گام‌های بلندتری را بردارد تا بتواند با بهترین اعمال و صالح‌ترین  
کارها خود را به مقام رضای الهی برساند.

#### چند نکته:

##### \* ثمره شناخت خود

قال علی الله: يَبْتَغِي لِمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ أَنْ يَلْزَمَ الْقَناعَةَ وَالْعِفَّةَ.<sup>۲</sup>  
نیکوست برای کسی که خودش را شناخت به قناعت و عفت در  
زندگی خودش را إلزام کند.

۱. وسائل الشیعه.

۲. غرالحکم، ص: ۷۹۵

\* انسان عاقل همیشه به یاد اوست

قال علی اللَّٰهُمَّ يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ لَا يَخْلُوَ فِي كُلِّ حَالٍ مِّنْ طَاعَةِ رَبِّهِ وَ مُجَاهَدَةِ نَفْسِهِ.<sup>۱</sup>

سزاوار است از برای عاقل، که خالی نشود در هر حالی از فرمانبرداری پروردگار خود و جهاد کردن با نفس خود.

\* در کنار اعتقاد به قضاء الهی، تلاش و توکل:

قال علی اللَّٰهُمَّ يَنْبَغِي لِمَنْ رَضِيَ بِقَضَاءِ اللَّهِ أَنْ يَتَوَكَّلَ عَلَيْهِ.<sup>۲</sup>

نیکوست برای کسی که به قضاء و حکم خدای سبحان راضی و خشنود است این که بر او نیز توکل کند.

\* دیدگاهی بلند

قال علی اللَّٰهُمَّ يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَعْجَلْ فِي عِيْبِ أَحَدٍ بِذَنْبِهِ فَلَعْلَهُ مَغْفُورٌ لَهُ وَ لَا تَأْمَنْ عَلَى نَفْسِكَ صَغِيرٌ مَعْصِيَةٌ فَلَعْلَكَ مُعَذَّبٌ عَلَيْهِ.<sup>۳</sup>

ای بنده‌ی خدا در عیب گرفتن از دیگری به سبب گناهی که کرده، شتاب مکن چه بسا که او آمرزیده شود. و ایمن بر نفس خود از کوچکی معصیتی که انجام داده‌ای مباش، چه بسا که به خاطر این معصیت، برایت عذاب باشد.

.۱. عيون الحكم و المواقف، ص: ۵۵۵

.۲. غرر الحكم، ح: ۱۵

.۳. نهج البلاغه، خطبه: ۱۴۰

\*عیب خود دیدن

قال علی عليه السلام: یا ایّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبٌ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ.<sup>۱</sup>  
 خوش با حال کسی که عیب‌شناسی خودش، او را از عیب‌جویی  
 دیگران باز دارد.

### داستان

از خود راضی بودن ممنوع:

چهار نفر وارد مسجد شدند و به نماز ایستادند پس از نیت و  
 تکبر الاحرام مؤذن مسجد آمد تا اذان بگوید.  
 اوّلی پرسید: آیا وقت نماز است؟  
 دومی گفت: در وسط نماز که حرف نمی‌زنند.  
 سومی گفت: خودت هم حرف زدی نمازت باطل شد.  
 چهارمی گفت: الحمد لله من حرف نزدم و نمازم صحیح است.  
 شاعر می‌گوید:

پس نماز هر چهاران شد تباہ

عیب گویان بیشتر گم کرده راه

---

۱. نهج البلاغه، خطبه: ۱۷۶.

## اعتدال در زندگی عقلاء

عقل به معنای قوه فهم و ادراک تشخیص دهنده حق و باطل، خوب و بد، پاکی و ناپاکی است. عقل انسانی نظام هستی را بر عدالت یافته و از انسان می خواهد تا خود را با این نظام احسن سازگار و موافق سازد. پس به طور طبیعی انسان به حکم عقل و خرد می بایست موجودی معتدل باشد.

عقل در مقام درک مدرکات عملی می گوید که: در عمل و رفتار ارادی انسان، آن چه خوب است، عدالت است و آن چه بد و قبیح است، ظلم و بی عدالتی است.

**چند نکته:**

\* عاقل و ترک شهوت

قال علی اللَّٰهُمَّ إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ هَجَرَ شَهْوَتَهُ وَبَاعَ دُنْيَاهُ بَآخِرَتِهِ<sup>۱</sup>

عقل کسی است که از هوا و هوس نفسانی دوری کند و دنیای خود را به آخرت خود بفروشد.

انسان عاقل کسی است که برای تحصیل جایگاه نیکو در آخرت، دنیايش را در آن راه صرف کند نه اینکه دنیا را برای دنیای فانی و زودگذر بخواهد.

## داستان

امیرالمؤمنین علیه السلام در تشریح ابعاد و حد و حدود خانه‌ای که شریح قاضی آن را خریداری کرده بود به او چنین فرمود: مشخصات این خانه چنین است: خریدار؛ کسی که می‌میرد، فروشنده؛ کسی که می‌میرد، حدی است: آن خانه به آفت چسبیده و حد دیگرش به مرگ ختم می‌شود، ملک از آن خانه به آن رفتنی است و به ملک تعلی می‌شود و در آخر جنازه صاحبیش را از آن بیرون می‌برند.

### \*کترل زبان

قال علی الله السلام: العاقِلُ مَنْ عَقَلَ لِسَانَهُ إِلَّا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

خردمند کسی است که زبان خود را نگه دارد مگر از ذکر خدا.

انسان عاقل قبل از بیان مطلب، اول فکر می‌کند و بعد در صورت نیاز به سخن گفتن کلامش را بیان می‌کند زیرا که زبان، عیوب‌های مخفی انسان و نادانی‌های او را آشکار می‌کند.

تا مرد سخن نگفته باشد

عيوب و هنر ش نهفته باشد.<sup>۲</sup>

۱. غرالحكم ح: ۱۷۷۰.

۲. گلستان.

## داستان

عطاء بن یسار گوید معاویه کاسه‌ی نقره‌ای را به بیش از نقره آن فروخت. ابودردا به وی گفت:

از پیامبر اکرم ﷺ شنیدم که از این گونه معامله نهی می‌کرد مگر اینکه به صورت هم اندازه باشد.

معاویه به او گفت: من در این معامله اشکالی نمی‌بینم.

ابودردا گفت: من از پیامبر ﷺ برای تو حدیث می‌گویم و تو مرا از رأی خویش آگاه می‌کنی. به خدا سوگند! از این پس در سرزمنی که تو در آن هستی، سکونت نخواهم کرد.<sup>۱</sup>

آدمی مخفی است در زیر زبان  
این زبان پرده است بر درگاه جان.<sup>۲</sup>

\*فریب نخوردن عاقل

قالَ الصَّادِقُ لِلَّهِ: لَا يُلْسِعُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنَ.<sup>۳</sup>

انسان عاقل از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.

۱. متابع فقه شیعه (ترجمه جامع أحاديث الشیعه)، ج ۲۳، ص: ۲۰۹.

۲. مثنوی.

۳. الحیات ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص: ۱۸۳.

## داستان

عبدالله بن يحيى، به حضور أمير المؤمنین علیه السلام وارد شد. و در مقابلش صندلی بود، أمیر المؤمنین علیه السلام به او دستور نشستن داد، و او هم، روی آن نشست. ناگهان صندلی، کچ شد! و با سرش به زمین فرود آمد! و سرش شکست و استخوان سرش اندکی نمایان شد! و خون، جاری گشت!. أمیر المؤمنین علیه السلام دستور آب داد. آوردند و خون‌های سرش را شست.

آنگاه فرمود: نزدیک من بیا. نزدش آمد. دست خویش بر آن (زخم گذاشت و بر آن، دست مالید. به مجرد این کار، زخمش خوب شد! آن چنان که گویی اصلاً جراحتی به او نرسیده است.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ای عبدالله! حمد و ستایش! برای خداوندی است که پاک کردن گناه شیعیان ما را -در دنیا- به رنج و محنت‌شان قرار داده است! تا فرمانبری و طاعت آنان را، برایشان، بی‌آلایش و سالم گرداند! و مستحقّ اجر و ثواب آن گردند.

عبدالله گفت: ای امیر المؤمنان به من فایده رساندی و مرا آموختی، اگر خواهی به من بشناسان آن گناهی را که برایش در این مجلس گرفتار بلا شدم چه بود تا بدان باز نگردم؟ حضرت فرمودند: آن این بود که هنگام نشستن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نگفتشی و خدا از تو این بی‌ادبی و ترک

وظیفه را چنین نمود که تو را از آن چه به تو رسید پاک کرد.<sup>۱</sup>

### \*راه عقل

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می‌رود (پس هر که عاقل است به بهشت می‌رود).<sup>۲</sup>

### \*عدل عاقل

قالَ الصَّادِقُ علیه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ كَانَ ذُلُّوا عِنْدَ إِجَابَةِ الْحَقِّ مُنْصِفًا بِقَوْلِهِ جَمُوحًا  
عِنْدَ الْبَاطِلِ خَصِيمًا بِقَوْلِهِ.<sup>۳</sup>

عاقل کسی است که در قبول کردن حق آرام و نرم باشد، و در مقابل قول حق انصاف بدهد، و در مقابل باطل سرکش باشد، و با قول باطل و ناحق مخالفت کند.

### \*علامت عاقل

قالَ الصَّادِقُ علیه السلام: دَلِيلُ الْعَاقِلِ شَيْئَانِ صِدْقُ الْقَوْلِ وَ صَوَابُ الْفِعْلِ.  
علامت شخص عاقل دو چیز است: راستگویی و درست کرداری.

### \*شاخشه‌ی عاقل

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاهِيْخًا إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ مَرَّةٍ<sup>۴</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص: ۳۰۵.

۲. أصول کافی ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص: ۱۲.

۳. مصباح الشریعه، ص: ۱۰۳.

۴. مصباح الشریعه، ص: ۱۰۳.

لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةً لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةً فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ.<sup>۱</sup>

انسان خردمند را نشاید که جز در سه مورد بکوشید: بهبود وضع زندگی، قدمی برداشتن برای روز جزا، و بردن لذتی در غیرحرام.

### \*مشورت گرفتن از عاقل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مُشَارِرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُمْنُ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ النَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَإِيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعَطَبَ<sup>۲</sup>

مشورت کردن با عاقل خیرخواه مایه هدایت و میمنت است و توفیقی است از جانب خداوند، پس هرگاه خیرخواه عاقل تو را راهنمایی کرد، مبادا مخالفت کنی که موجب نابودی می شود.

### \*حلال و حرام در نگاه عاقل

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ الْعَاقِلَ، الَّذِي لَا يَشْغُلُ الْحَلَالُ شُكْرَهُ، وَ لَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبَرَهُ.<sup>۳</sup>

عاقل کسی است که حلال او را از سپاسگزاری و شکر باز ندارد و حرام بر صبرش چیره نشود.

۱. وسائل الشیعه، ج: ۴۹۸۴.

۲. محسن، ج ۲، ص: ۶۰۲

۳. کافی، ج ۱، ص: ۳۶

\*حقیقت در نگاه عاقل

قال علی اللَّٰهُمَّ إِنَّ الْعَاقِلَ إِذَا أَبْصَرَ بَعِيْنِهِ شَيْئاً عَرَفَ الْحَقَّ مِنْهُ.<sup>۱</sup>

انسان عاقل وقتی چیزی را به چشم خود ببیند آثار حقیقت و درستی آن را درک می‌کند.

\* اعتدال در آداب معاشرت

انسان فطرتاً اهل ارتباط با دیگران است که گاه این ارتباط انسان را به کمال انسانیت می‌رساند و گاه باعث پشیمانی که قرآن می‌فرماید: يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ أَتَخِذْ فُلَانَا خَلِيلًا؟<sup>۲</sup> ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم.

دین مبین اسلام برای رتباط با دیگران نیز آدابی را به مؤمنین گوشزد می‌کند که رعایت آن انسان را در کمال اعتدال به آرامش می‌رساند که به نمونه‌های آن اشاره می‌کنیم.

\*اعتدال در پذیرایی از مهمان

قال الصادق اللَّٰهُمَّ إِذَا أَتَاكَ أَخْوَكَ فَأَتِهِ بِمَا عِنْدَكَ وَ إِذَا دَعَوْتَهُ فَتَكَلَّفْ لَهُ.<sup>۳</sup> هرگاه برادرت ناخوانده بر تو وارد شد، همان غذایی که در خانه داری برایش بیاور و هرگاه او را دعوت کردی در پذیرایی از او خودت را به

۱. کافی، ج ۸، ص: ۳۴۹.

۲. فرقان، آیه: ۲۸.

۳. کافی، ج ۶، ص: ۲۷۶.

رحمت بینداز.

\* اعتدال در مهمانی از مردم

قال علی اللَّٰهُمَّ مَا ظنَّتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَيَّ طَعَامٍ قَوْمٍ عَائِلَّهُمْ مَجْفُوعٌ وَغَنِيَّهُمْ مَدْعُوٌّ.

گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده، و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند.

این نامه را حضرت اللَّٰهُمَّ به عثمان بن حنیف نوشتند، آری در مهمانی‌ها نه فقط ثروتمندان را مدد نظر بگیر که چه بسیار از ثروتمندانی که با مال خودشان هلاک شدند و نه فقیران را تنها دعوت کن که شاید این تفکر به ذهن آنان خطور کند که این مهمانی از باب صدقه است یا کفاره.

\* اعتدال در حسن ظن

يا أَئُهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَبَوَا كَثِيرًا مِنَ الظُّنُونِ إِنَّ بَعْضَ الظُّنُونِ إِنَّمَا.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است.

قال علی اللَّٰهُمَّ: ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ.

اعمال برادر دینیات را بر نیکوترین وجه تفسیر و توجیه کن.

۱. نهج البلاغه، نامه: ۴۵.

۲. حجرات، آیه: ۱۲.

۳. کافی، ج ۲، ص: ۳۶۲.

### \*اعتدال در ازدواج

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَأُنْكِحُوهُ مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ.<sup>۱</sup>

و اگر می ترسید از اینکه به هنگام ازدواج با دختران یتیم رعایت عدالت درباره آنها نکنید با آنها ازدواج ننمایید و به جای آنان با زنان پاک دیگری ازدواج کنید.

ازدواج سنتی است از طرف رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> که برای تمام مراحل آن چه قبل از ازدواج و چه حین ازدواج و چه بعد از آن، اسلام برنامه دارد و بعضاً اشخاص برای عمل به سنت الهی، گاه کم می گذارند و گاه می خواهند جلوتر از آن حرکت کنند که هر دوی آنان، مسیری تاریک را می روند که پایانی جز گمراهی و در بسیاری اوقات جز جدائی ندارد. بعضی شرطهای هوسبازانه می گذارند و بعضی اصلاً شرطی را برای ازدواج ندارند و یا عده‌ای نگاهی تجاری دارند و با مهریه‌های سنگین دخترشان را راهی منزل شوهرشان می کنند و شوهر هم توقعی به اندازه آن جهیزیه را از او دارد و عده‌ای هم بدون هیچ مهریه‌ای. که اسلام تمام این راههای افراطی و یا تفریطی را مورد مذمت قرار داده است و عاقبت خوبی را برای آنها گوشزد نکرده است.

### \*اعتدال در حقوق زن و شوهر

وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ.<sup>۱</sup>

۱. نساء، آیه: ۳

همانند وظائفي که زنان بر عهده دارند، حقوقی شایسته آنان موجود است یعنی در قوانین دینی مرد و زن هر کدام حقوقی دارند که باید رعایت نمایند.

آنچه که در زندگی‌ها باید مورد توجه زن و مرد باشد حق سالاری است نه مردسالاری و نه زنسالاری، زیرا هیچ کدام آن‌ها برنامه دینی نیست لذا گاه مرد به زن می‌گوید که مثلاً راضی نیstem به منزل پدرت بروی، یا به مادرت سلام کنی و زن هم در جواب می‌گوید من خدمت خانه نمی‌کنم و یا بچه را شیر نمی‌دهم. این نوع برخوردها که از روی جهالت و نادانی است مورد سرزنش اسلام است و دستور به رعایت آداب همسرداری و محبت و به دنبال حق رفتن از تعالیم الهی است که هر عقل سليمی به دنبال آن است.

### لطفیه

می‌گویند به مردی گفتند آیا از اول ازدواج تا کنون بین شما اختلافی پیدا شده؟ گفت: خیر، زیرا از روز اول خانم دستور داده و بنده اجرا می‌کنم و بقیه کارها را تقسیم کرده‌ایم!

### تکنه‌ای مهم:

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: همه‌ی همتت فقط خانواده‌ات نباشد که از کارهای مهم دیگر عبادی باز بمانی، زیرا آن‌ها اگر از اولیاء خدایند؛ خدا به همراهشان هست و خدا آن‌ها را تباہ نخواهد کرد و اگر دشمن خدایند چرا غم دشمنان خدا را می‌خوری.<sup>۱</sup> قرآن در این باره می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْواجِكُمْ وَأُولَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحذِرُوهُمْ**<sup>۲</sup>; ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندان‌تان دشمنان شما هستند، از آن‌ها بر حذر باشید.

\* اعتدال در دیدار

قال الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ قَالَ الرَّبُّ جَلَّ جَلَالُهُ أَيُّهَا الزَّائِرُ طِبْتَ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ.<sup>۳</sup>

هر کس با برادر مؤمنش دیدار کند خداوند به او ندا می‌دهد: ای دیدارکننده! خوش باش و بهشت برای تو نیکو باد.

در زیارت مؤمنین و حتی آن مؤمنان حقیقی از جمله حضرات معصومین علیهم السلام و زیارت بیت الله الحرام؛ نیز باید انسان اعتدال را رعایت کند که گاه شخصی تمام مالش را صرف زیارت می‌کند و گاه شخصی

۱. نهج البلاغه، حکمت: ۳۵۲

۲. تقابلن، آیه: ۱۴

۳. مؤمن، ص: ۶۰

مستطیع است ولی به حجّ نمی‌رود. شخصی تمام وقتش را در حرم جا می‌گیرد و گاه شخصی که خانه‌اش در نزدیکی حرم است و سال می‌گذرد اماً به حرم نمی‌رود.

\*اعتدال در گفتار و کردار

قال علی بن الحسین عليه السلام: إِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ بِتَرْكِ  
الدُّنْيَا لِلْدُنْيَا!<sup>۱</sup>

در میان مردم کسانی هستند که دنیا و آخرت هر دو را از دست می‌دهند؛ دنیا را برای دنیا می‌کنند.

علّه‌ای با زبان بازی و ذکر ظاهری فیلم بازی می‌کنند و برای جلب نظر مردم، خود را فقیر معرفی می‌کنند و یا برای ازدواج به صورت انسانی عابد و زاهد می‌شوند ولی بعداً فلزشان آشکار می‌شود که برای اخّاذی، قیافه‌ای حقّ به جانب و اهل دعا به خود می‌گیرند.

و عده‌ای برای رسیدن به ریاست این کارها را انجام می‌دهند و اهل خیرات می‌شوند و چهار سال یک بار دل‌شان برای مسجد و امام جماعت و مذهبیون تنگ می‌شود! تا مقدمه‌ای برای اخذ رأی از مردم باشد و بعد از رأی ندادن مردم به او، همان مردم را به باد ناسزا می‌گیرند!

و عده‌ای تا مسئول نشده‌اند دل رئوف و مهربانی دارند اماً وقتی به آن

---

۱. وسائل الشیعه، ج. ۸، ص: ۳۱۸.

مقام دنیوی رسیدند همه را فراموش می‌کنند و یا قبل از کنکور دست به دعا در پیش گاه الهی بر می‌دارند و پس از پیدا کردن شغل به بندگان خدا ستم می‌کنند و برای چند سال درس خوانند، در حالی که باید زکات علمشان را پرداخت کنند به خاطر آن، پول‌های کلانی از مریضان و مراجعین خود می‌گیرند.

که همه‌ی این گفتارها و رفتارها، خلاف سخن عادلانه‌ی فطرت انسانی است.

#### \* اعتدال در مدیریت

قال علی اللَّٰهُمَّ آفِهُ النُّعْمَاءِ ضَعْفُ السُّيَاسَةِ.<sup>۱</sup>

آفت زمامداران، ناتوانی در بینش سیاسی است.

حضرت یعقوب اللَّٰهُمَّ در چندین سال پس از ماجراهای یوسف و ناملایمات، قوم خانواده را حفظ کرد و این اعتدال در مدیریت گاه در خانواده است و گاه در جامعه، زیرا عده‌ای در این حوادث یا قهر می‌کنند و یا إقدام تندی می‌کنند و حضرت یوسف اللَّٰهُمَّ نیز به قول امام رضا اللَّٰهُمَّ در هفت سال قحطی با مدیریتی که داشت مردم مصر و کشورهای اطرافش را از گرسنگی نجات داد. البته گفته‌اند که در چند سال قحطی خودش هرگز سیر نبود تا درد گرسنگی را فراموش نکند.

---

۱. الحیاة ترجمه احمد آرام، ج ۲، ص: ۵۷۳

### \* اعتدال در حب وطن

قال علی الله: عَمِّرْتِ الْبَلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ.<sup>۱</sup>

و شهرها با حب وطن آباد می شود

قال علی الله: لَيْسَ بَلَدٌ أَحَقُّ بِكَ مِنْ بَلَدٍ خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ.

هیچ شهری برای تو شایسته‌تر از شهر دیگری نیست، بهترین شهرها شهری است که تو را پذیرا گردد و وسائل پیشرفت تو را فراهم سازد. با افرادی مصاحبه می شود همه‌اش ایران ایران می‌کنند و در توصیف وطن صحبت می‌کنند ولی وقتی سراغ از بچه‌هایشان می‌گیری با حالتی فخرفروشانه می‌گویند ۲۰ سال ۳۰ سال است که خارج هستند. و یا درباره نیکانشان که صحبت به میان می‌آید برای آن‌ها غش می‌کنند ولی از اولیاء دینی خودشان یاد نمی‌کند لذا اصل علاقه به وطن مورد تأیید است، اما نباید افراطی شود و به تفکر: پاتریوتویسم (میهن‌پرستی) کشیده شود.

### \* اعتدال در نگاه

فَانْظُرْ إِلَى آثارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ.<sup>۲</sup>

پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند.

۱. تحف العقول، ص: ۲۰۷.

۲. روم، آیه: ۵۰.

## \*نگاهِ خدایی

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَا ذَا  
تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعُلْ مَا تُؤْمِرُ.

و هنگامی که فرزندش به سن بلوغ رسید به او گفت: فرزندم من در خواب دیده‌ام که باید تو را در راه خدا ذبح کنم. بنگر نظر تو چیست؟ گفت: پدرم هر چه دستور داری اجرا کن.

## \*نگاهِ عبرت آمیز

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ.

بگو: در روی زمین سیر کنید و بینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید.

در اسلام هم فانظروا داریم و هم واذکروا یعنی مانند راننده ماشین باید هم به جلو نگاه کنید و هم با آئینه پشت سر را نگاه کنید.

۱. صفات، آیه: ۱۰۲

۲. نمل، آیه: ۶۹

## اعتدال در شناخت ولایت

اعتقاد به ولایت یعنی اعتقاد به ولایت الله که در طول آن ولایت رسول خدا ﷺ و جانشینان بر حق او یعنی ائمه معصومین علیهم السلام و ولایت فقیه کلید خورده است. و شکّی نیست که هر کس در هر یک از این‌ها تشکیک کند در مابقی نیز اعتقاد راسخی ندارد هر چند زبانش گویای چیز دیگری باشد.

اعتدال در شناختِ ولایت را شاید بتوان در یک بیت از اشعار شهریار که درباره امیر المؤمنین سروده خلاصه کرد که:

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت  
متحیرم چه نامم شـه مـلـک لـافـتـی رـا  
\*اهل بـیـت عـلـیـه مـصـدـاق شـجـاعـت

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرُى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَوْفٌ بِالْعِبَادِ.<sup>۱</sup>  
واز میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد، و خدا نسبت به بندگان، مهربان است.

قال السجاد علیه السلام: نَزَلَ فِي عَلَيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِينَ بَاتَ عَلَى فِرَاشِ رَسُولِ اللَّهِ حَيْثُ طَلَبَهُ الْمُشْرِكُونَ.<sup>۲</sup>

۱. بقره، آیه: ۲۰۷.

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص: ۴۱.

امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> فرمودند: این آیه زمانی نازل شد که مشرکان به دنبال قتل پیامبر<sup>صلی الله علیہ و آله و سلم</sup> بودند و حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> در بستر پیامبر خواید.

#### \*اتفاق ائمه<sup>علیهم السلام</sup>

**إِنَّمَا وَلِيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقْبِلُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.<sup>۱</sup>**

ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. قال رسول الله<sup>صلی الله علیہ و آله و سلم</sup>: علی بن ابی طالب<sup>رض</sup> اقام الصلاة و آتی الزکاة و هو راكع.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیہ و آله و سلم</sup> فرمودند: این آیه در شأن حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> نازل شده که نماز را اقامه کرد و زکات را پرداخت در حالی که در رکوع بود.

#### \*ایمان و جهاد

**أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.<sup>۳</sup>**

آیا آبرسانی به حاجیان و تعمیر مسجدالحرام را همانند عمل کسی قرار داده‌اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟!

۱. مائدہ، آیه: ۵۵.

۲. بخار الانوار، ج ۳۷، ص: ۲۰۶.

۳. توبه، آیه: ۱۹.

در شأن نزول آیه آمده است که عباس عمومی پیامبر و شیبہ به یکدیگر افتخار می‌کردند عباس به آبرسانی به زائران خانه خدا می‌باليد و شیبہ به کلیداری کعبه.

علی<sup>علیه السلام</sup> فرمود: ولی من با سن کم خود، به این افتخار می‌کنم که شما با جهاد و شمشیر من ایمان آوردید. عباس ناراحت شده نزد پیامبر<sup>علیه السلام</sup> از علی<sup>علیه السلام</sup> شکایت کرد. که آیه فوق نازل شد.

علی<sup>علیه السلام</sup> بارها برای اولویت خویش به این آیه استشهاد کرد، چرا که ایمان و جهاد، برتر از خدمات دوران شرک است که فاقد ارزش معنوی است.<sup>۱</sup>

### \*بهترین خلائق

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمُ الْأَحْسَانُ إِنَّمَا يُحِبُّ الْأَحْسَانَ.<sup>۲</sup>  
بدرستی کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقاتند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: هُمْ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ يَا عَلِيٌّ.<sup>۳</sup>

پیامبر خطاب به علی<sup>علیه السلام</sup> فرمود: (که بهترین مخلوقات)، تو و شیعیانت هستند.

۱. تفسیر نور، ج ۵، ص: ۳۴.

۲. بیتبه، آیه: ۷.

۳. بحار، ج ۲۲، ص: ۴۵۸.

## \*میزان اعمال

وَنَصَحَ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا.<sup>۱</sup>

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت بربپا می‌کنیم پس به هیچ کس  
کمترین ستمی نمی‌شود.

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ هُمُ الْمَوَازِينَ.<sup>۲</sup>

همانا امیرالمؤمنین و امامان از نسل او میزان اعمالند.

## \*هدايتگر انسان‌ها

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادِ.<sup>۳</sup>

تو هشدار دهنده‌ای و برای هر قومی راهنمایی است.

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَا الْمُنْذِرُ وَعَلَيِ الْهَادِي مِنْ بَعْدِي يَا عَلِيُّ بْنِ يَهْتَدِي الْمُهْتَدِونَ.<sup>۴</sup>

من منذر و انذار دهنده مردم هستم و علی هدايتگر مردم بعد از من  
است و به وسیله تو یا علی، هدايت می‌شوند هدايت شدگان.

## \*محبوب خدا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ<sup>۵</sup>  
يُحِبُّونَ.

۱. انبیاء، آیه: ۴۷.

۲. بخار الانوار، ج ۷، ص: ۲۵۲.

۳. رعد، آیه: ۷.

۴. بخار، ج ۹، ص: ۱۰۷.

۵. مائدہ، آیه: ۵۴.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد به خدا ضرری نمی‌زنند، چون خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند.

**فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : لَا عَطِينَنَّ هَذِهِ الرَّأْيَةَ غَدَأَ رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كَرَّارًا غَيْرَ فَرَّارٍ۔<sup>۱</sup>**

فردا این پرچم را به دست مردی خواهم داد که خداوند قلعه خیر را به دست‌های او خواهد گشود، که خدا و رسولش او را دوست می‌دارند او نیز خدا و رسولش را دوست می‌دارد بسیار حمله کننده و غیر فرار است.

### \*علم و دانش

**قالَ عَلَى اللَّهِ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ سَلُوْنِي قَبْلَ أَنْ تَقْدِدُونِي... فَإِنَّ عِنْدِي عِلْمٌ الْأَوَّلَيْنَ وَالآخِرِينَ۔<sup>۲</sup>**

ای گروه‌های مردم: سؤال کنید پیش از آن که مرا نیابید که در نزد من علم اولین و آخرین است

### \*ایمان

**قالَ عَلَى اللَّهِ وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَتِ الْأَقْالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أُعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ أَسْبَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةً مَا فَعَلْتُهُ۔<sup>۳</sup>**

۱. کافی، ج ۸، ص: ۳۵۱

۲. امامی صدوق، ص: ۳۴۱

۳. نهج البلاغه، خطبه: ۲۲۴

به خدا سوکند که اگر هفت اقلیم جهان را با آنچه زیر آسمان‌های آن‌هاست به من دهنده تا خدا را نافرمانی کنم به اندازه‌ای که پوست جوی را از دهان مورچه‌ای بگیرم، نخواهم کرد.

\* یقین

قال على ﷺ: مَا شَكَّتُ فِي الْحَقِّ مُنْذُ رَأَيْتُهُ<sup>۱</sup>.  
از زمانی که حق به من نمایانده شد در آن شک نکردم.

\* همدردی با مردم

قال على ﷺ: أَقْنَعَ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يَقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهَرِ؟<sup>۲</sup>

آیا بدین بسنده کنم که به من امیرالمؤمنین بگویند، و در ناخوشایندهای روزگار شریک مردم نباشم؟!

\* مقام رضا

قال ابْنُ عَبَّاسٍ: كَانَ عَلَى الْعَلِيِّ يَتَّبِعُ فِي جَمِيعِ أَمْرِهِ مَرْضَاهُ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَلِذَلِكَ سُمِّيَ الْمُرْتَضَى.<sup>۳</sup>

علی عَلِيٌّ در تمامی کارهای خود همواره در پی رضایت الهی بود و به همین جهت «مرتضی» نامیده شد.

۱. غرر الحكم

۲. مکاتیب الأئمہ، ج ۱، ص: ۱۰۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۵، ص: ۶۰.

## \*مقام معنوی

پیامبر ﷺ در دعایش می‌گفت:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ عَلَيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ اغْفِرْ لِلْخَاطِئِينَ مِنْ أُمَّتِي.<sup>۱</sup>

خداؤندا، خطاکاران از امت مرآ، به حق علی ﷺ بندۀ مقربت ببخش.

## \*مقام اخروی

به بلال حبshi گفتند ابویکر تو را از بندگی نجات داد پس حق او بیشتر است. او گفت علی ﷺ مرا از عذاب ابدی نجات داد:

عَلَىٰ أَنْقَذَنِي مِنْ رِّقٍ عَذَابِ الْأَبَدِ.<sup>۲</sup>

## \*عبادت خالصانه

قال علی ﷺ: إِلَهِي مَا عَبَدْتُكَ حَوْفًا مِنْ عِقَابِكَ وَ لَا طَمَعًا فِي ثَوَابِكَ وَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ.<sup>۳</sup>

خدایا من تو را از ترس عقابت پرستش نکردم و به طمع ثوابت پرستش نکردم، بلکه فقط تو را شایسته پرستش دیدم پس عبادت کردم.

۱. فضائل، ص: ۱۲۸.

۲. تفسیر الإمام الحسن العسكري، ص: ۶۲۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص: ۱۴.

اعتدال در پوشش

قال على اللَّهُمَّ مَلِئْ سُهُمُ الْاِقْتِصَادَ.<sup>۱</sup>

یک اصل کلی و جامع که در بسیاری از شئون و ابعاد و زمینه‌های مختلف زندگی رعایتش لازم و مفید است اصل میانه روی، اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط است. در مسأله پوشیدن لباس نیز این اصل جاری است.

پوشیدن جامه‌های کثیف و آلوده هیچ‌گاه مورد امضای دین اسلام نیست. همان گونه که تلاش برای پوشیدن لباس‌های فاخر و گرانبها که پیوسته فکر انسان مشغول تهیه‌ی نقشه برای دستیابی به مدل‌ها و نمونه‌های جدید و قیمتی پوشак‌ها باشد نیز امری ناپسند است. آن چه شرط است در آداب پوشیدن، لباس نظیف پوشیدن است.

\*زینت در مجلس

قال على اللَّهُمَّ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأْ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلْ.<sup>۲</sup>

خداؤند متعال دوست دارد وقتی بنده اش نزد برادران خود می‌رود با هیئتی آماده و آراسته برود.

۱. سلیم بن قیس، ج ۲، ص: ۸۴۹

۲. بخاری، ج ۱۶، ص: ۲۴۹

\*جمال محبوب جمیل است

قال الصادق اللهِ أَكْبَرُ أَلْبَسْ وَ تَجَمَّلْ فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ لَيْكُنْ مِنْ حَلَالٍ.<sup>۱</sup>  
لباس زیبا پوش؛ زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ اما  
باید از حلال باشد.

\*اثر نعمت خدا

قال الصادق اللهِ أَكْبَرُ: فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثْرَهَا  
قِيلَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يُنَظِّفُ ثَوْبَهُ وَ يُطَيِّبُ رِيحَهُ وَ يُجَصِّصُ دَارَهُ وَ يَكْنُسُ أَفْيَتَهُ.  
خداؤند زیبایی و آراستگی را دوست می‌دارد، و ژولیدگی و فقیرنمایی  
را نمی‌پسندد؛ چون نعمتی به بنده خویش عطا کند، دوست دارد اثر آن را  
بر وی ببیند. پرسیدند: چگونه؟ فرمود: «با نظیف‌پوشی، استفاده از عطر،  
گچکاری خانه و آراستان محل سکونت، و جاروب کردن و تمیز نگاه  
داشتن حیاط؛ حتی اینکه روشن کردن چراغ -پیش از غروب خورشید-  
فقر را می‌زادید و بر روزی می‌افزاید. □

۱. وسائل الشیعه، ج. ۵، ص: ۶.

۲. امالی صدوق، ص: ۲۷۵.

\*زیبائی با گناه هرگز

قالَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْكَاظِمِيُّ: تُؤْتَى بِالْمَرَأَةِ الْحَسَنَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّتِي قَدِ افْتَنَتْ فِي حُسْنِهَا فَتَقُولُ يَا رَبِّ حَسَنَتَ خَلْقِي حَتَّى لَقِيتُ مَا لَقِيَ إِنْجَاءُ بِمَرْيَمَ عَ فَيَقَالُ أَنْتِ أَحْسَنُ أَوْ هَذِهِ قَدْ حَسَنَاهَا فَلَمْ تُفْتَنِ وَ إِنْجَاءُ بِالرَّجُلِ الْحَسَنِ الَّذِي قَدْ افْتَنَ فِي حُسْنِهِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ حَسَنَتَ خَلْقِي حَتَّى لَقِيتُ مِنَ النِّسَاءِ مَا لَقِيَ إِنْجَاءُ بِيُوسُفَ عَ فَيَقَالُ أَنْتِ أَحْسَنُ أَوْ هَذَا قَدْ حَسَنَاهُ فَلَمْ يُفْتَنِ ۖ

امام صادق علیه السلام فرمودند: روز قیامت، زنی زیبا آورده می‌شود که به خاطر زیبایی اش فریب خورده است. زن می‌گوید: خدایا! مرا زیبا آفریدی و گرفتار شدم.

مریم، آورده می‌شود و گفته می‌شود: تو زیباتری یا این؟ او را زیبا قرار دادیم و فریفته نشد.

نیز مرد زیبایی آورده شود که به خاطر زیبایی اش فریفته شده و می‌گوید: پروردگار!! مرا زیبا آفریدی و چنین گرفتار زنان شد.

در این هنگام، یوسف آورده می‌شود و به وی گفته می‌شود: تو زیباتری یا این؟ او را زیبا قرار دادیم و فریفته نشد.

پایان

